

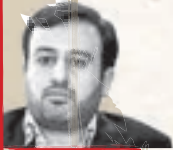


شماره

بازین سپهر که در خلق عالم
بازین سپهر عظیم از کزین
بازین سپهر و چه نرا و چه تمام
بی نفع و خوار و عظیم



پیشینه تاریخی آیین روز عاشورا در جوامع شیعی



دکتر احمد خامنه‌پار
نویسنده و تاریخ‌پژوه

درباره زمان پیدایش و شکل‌گیری مراسم روز عاشورا در میان جوامع شیعی، با استناد به گزارش‌های مورخان معتبر عراقی همچون ابن جوزی و ابن‌اثیر مبنی بر عزاداری‌های شیعیان بغداد در روز عاشورا که در زمان معزالدوله دیلمی (حکومت: ۳۳۴-۳۵۸ قمری) از سال ۳۵۲ قمری آغاز شد و در سال‌های بعد نیز ادامه یافت، دیدگاهی که میان بسیاری از فقیه‌ها، هاینس هالم، حمزة الحسن و دیگران رواج یافته، آن است که این عزاداری‌ها نخستین مراسم رسمی و عمومی روز عاشورا در میان جوامع شیعی بوده است و در واقع آل‌بویه نخستین حکومتی بوده‌اند که از برپایی چنین مراسمی حمایت کرده و به ترویج آن پرداخته‌اند. چنان‌که گزارش‌های همان مورخان حاکی از برپایی مراسم جشن و سرور روز عید غدیر پیش از آن بوده است.

سید صالح شهرستانی نیز در کتاب «تاریخ النبیة علی الامام‌الحسین (ع)» توضیح داده است که آل‌بویه نخستین کسانی بودند که سوگواری و عزاداری امام‌حسین (ع) را به‌وجود آوردند، بلکه آن‌ها نخستین کسانی بودند که عزاداری را از حالت برگزاری و به میان بازارها و خیابان‌ها آوردند. شواهد و گزارش‌هایی نیز وجود دارد که در سال‌های پیش از سال ۳۵۲ قمری، شیعیان بغداد به سوگواری برای امام‌حسین (ع) می‌پرداخته‌اند، اما این گزارش‌ها دلالتی ندارد بر آنکه این سوگواری‌ها به‌شکل مراسم رسمی و عمومی در روز عاشورا برگزار می‌شده است. همچنین در کنار گزارش‌های از برپایی مراسم روز عاشورا در دوره آل‌بویه، گزارش‌هایی نیز به‌طور معزولین... خلیفه فاطمی (حکومت: ۳۴۱-۳۶۵ قمری) و به مصر، در منابع تاریخی نقل شده است. یعنی کمتر از یک‌سال از ورود وی با این حال، به‌نظر می‌رسد مراسم نقل شده است.

مستند این ادعا، گزارشی است که به‌واسطه نقل‌قول ارزشمند مقریزی (درگذشته ۸۴۵ قمری) مورخ برجسته مصر در دوره مملوکی در سده چهارم هجری زیسته و دوره پیش و پس از ورود فاطمیان از ابن‌زولاق (احتمالاً از کتاب مفقود وی «سیرة المعزالدین...») نقل کرده، چنین است: «و کانت مصر لا تخلو من الفتن فی یوم مقریزی علی بن‌ابی طالب فی الایام الإخشیدیه و الکافوریه و کان سودان و یقولون للرجل من الشیعة، و یعلق السودان فی الطرق بالناس، لقی المکروه، و أخذت نیابه و ما معه، حتی کان کافور یوکل بأبواب الصحراء و یمنع الناس من الخروج». (حکومت: ۳۳۳-۳۵۸ قمری) در نیمه نخست سده چهارم، شیعیان مصر در روز عاشورا در دو زیارتگاه نفیسه بنت حسن بن زید بن امام‌حسن (ع)، همسر اسحاق بن امام جعفر صادق (ع) که تا به امروز از زیارتگاه‌های برجسته و مشهور اهل‌بیت (ع) در مصر به‌شمار می‌آید و نیز در مزار سوگواری می‌پرداختند و البته در دوره کافور غلام اخشید (حکومت: ۳۵۵-۳۵۷ قمری) با تعصب و سخت‌گیری وی و عمالش رویه‌رو می‌شدند. درواقع با استناد به این گزارش می‌توان گفت مراسم روز عاشورا پیش از دوره آل‌بویه و خلفای فاطمی مصر پیشینه داشته و با توجه به گزارش‌هایی که به دست ما رسیده، دست کم از نیمه نخست سده چهارم در میان جامعه شیعی مصر جریان داشته است.

فلسفه برپایی عزای حسینی در روز گار کرونایی



محمد الهی‌خراسانی
مدرس حوزه
علمیه مشهد

هم‌زمان با برپایی مجالس عزای حسینی در روزهای کرونایی، برخی مطرح می‌کنند که ضرورت عزاداری در شرایط کنونی چیست؟ این همه پافشاری برای یک عمل مستحب چه معنایی دارد؟ آیا نمی‌شود امسال به‌جای عزاداری، با سیره و معارف حسینی بیشتر آشنا شویم یا به‌جای عزاداری، به محرومان و آسیب‌دیدگان از کرونا کمک کنیم و هزینه مجالس عزارا برای آنان صرف کنیم؟

پاسخ این است که اقامه عزای حسینی را نباید یک عمل مستحب در کنار مستحبات دیگر دید. ماندگاری دین و فرائض از آن، همه ارزش‌های انسانی، مدیون نهضت عاشورای حسینی است و زنده‌نگه‌داشتن نهضت در گرو اقامه عزای حسینی است. خدا که از آن به «تولی» و «تبری» تعبیر می‌شود، از دشمنان است و یکی از مهم‌ترین جلوه‌های آن، اقامه عزای حسینی است. از سوی دیگر، تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم با عاشورای حسینی گره خورده و مجالس روضه و عزاداری، بخشی از هویت اجتماعی مردم ایران شده است و کوچک‌شمردن سنت عزاداری به‌معنای نادیده‌گرفتن این هویت اجتماعی است.

روحی انسان روحی خود نیز پاسخ دهد و معنویت از مهم‌ترین نیازهای و اشک‌ریختن بر مصائب آنان است. این نیاز روحی و عاطفی در شرایط کنونی جامعه که بخش گسترده‌ای از آن با معضلات اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کند و افسردگی ناشی از محدودیت‌های اجتماعی نیز تحمل فشارهای اقتصادی را سخت‌تر می‌کند، بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود. معرفت‌افزایی و خدمت‌رسانی، هیچ‌کدام جای معنویت و توسل را نمی‌گیرد و البته مجالس عزای حسینی، خود بهترین بستر برای معرفت‌افزایی و بهترین مشوق برای خدمت‌رسانی است. در جریان شیوع بیماری کرونا نیز هیئت‌ها در بیمارستان و خانواده‌های آنان به‌کادر بهداشتی و درمان و خدمت‌رسانی به سلامت عزاداران حسینی از سوی دیگر، برگزاری آیین‌های عزاداری ایمن و در چارچوب شیوه‌نامه‌های بهداشتی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و تجربه محرم پارسال نشان داد این مهم تحقق‌پذیر می‌توان گفت آزمون عزاداران در دوران جولان کرونا، اقامه شعایر حسینی و سلامت عزاداران است. این بهترین پاسخ به تبلیغات دشمن برای دامن‌زدن به دوگانه کاذب «سلامتی یا دین‌داری» است.

صاحب‌امتیاز: شهرداری مشهد
مدیرمسئول: سیدهادی فیاضی
سرمدبیر: آرتنگ حاتمی
دبیر ویژه‌نامه: علیرضا گرانپایه
صفحه‌آرا: ملک جمعی، حامد خاکپور
با تشکر از: سیدجواد اشکدزی، یوسف بینا، شیما سیدی، حامد خاکپور، ابرج طوفان

تلفن دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱
شماره پیامک: ۰۷۲۸۹۰۰۳۰۰
نمبر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
دفتر مرکزی روزنامه شهرآرا:
مشهد، میدان شهدا، نبش دانشگاه یک
WWW.SHAHRARAONLINE.IR

گفت‌وگو با دکتر حسن انصاری، استاد دانشگاه و پژوهشگر
درباره پژوهش‌های مرتبط با قیام عاشورا

عاشورا

وضعیت تاریخ‌نگاری مورخان



امید حسینی‌نژاد

قیام بزرگ عاشورا پر است از پایداری‌ها و حماسه‌هایی که امام حسین (ع) و اصحاب بزرگوار آن حضرت قهرمان آن بوده‌اند. بنابراین این بعد از ابعاد آن حماسه جاوید بیش از سایر ابعاد جلوه کرده و از برجستگی ویژه‌ای برخوردار است. بیشتر مردم کربلا را از این دریچه می‌نگرند و آن را با این خصوصیت می‌شناسند. این قیام تأثیر به‌سزایی بر جامعه مسلمانان در سده نخست ایجاد کرد. این اتفاق در سال ۶۱ قمری توسط فردی انجام شد که خود را خلیفه مسلمین می‌دانست و با به‌شهادت‌رساندن نوه پیامبر اکرم (ص) اوج خون‌خواری حکومتش را نشان داد. یزید پس از مرگ پدرش با برنامه‌ریزی قبلی عنان حکومت اسلامی را به‌دست گرفت؛ فردی که در انجام امور خارج از احکام دین مبین اسلام شهره بود. امام حسین (ع) نتوانست در مقابل این اتفاق ننگین سکوت کند. وقتی مروان بن حکم، حاکم مدینه، در مقام نصیحت و خیرخواهی پیشنهاد بیعت با یزید را تکرار کرد، امام حسین (ع) با جدیت تمام و بدون کوچک‌ترین عقب‌نشینی جواب داد: «إنا لله و إنا إليه راجعون و علی الاسلام السلام إذا بلیت الأمة براع مثل یزید. یا مروان، اترشدنی لبیعة یزید و یزید رجل فاسق؟ لقد قلت شططا من القول و زلا و لا ألوک/ اگر امت اسلامی به سرپرستی مثل یزید مبتلا شود با اسلام باید وداع کرد. ای مروان، مرا ارشاد و راهنمایی به بیعت با یزید می‌کنی، درحالی‌که او مرد فاسقی است؟ پراکنده‌گویی کردی و حرف نامربوطی زدی و من به دلیل این کلام سرزنش نمی‌کنم، چون تو همان ملعونی هستی که هنوز در صلب پدرت (حکم‌بن‌عاص) ...» امام (ع) بارها در مسیر حرکتش اهداف قیام خود را تبیین کرد و در طول این مسیر افرادی نیز به این قیام پیوستند. در آثار تاریخی سخنان امام (ع) و اتفاقاتی که در کربلا افتاد، ثبت و ضبط شده است. پس از واقعه عاشورا نیز برخی به نوشتن کتاب‌هایی در این زمینه پرداختند. در دوره معاصر حجم این آثار افزایش یافت و رویکرد آن‌ها به تأثیر از وقایع دوره معاصر بود. دکتر حسن انصاری، عضو هیئت علمی مدرسه مطالعات تاریخی پرینستون در این گفت‌وگو به بررسی زوایای تحلیلی ادبیات عاشورایی و آثاری که در این زمینه نوشته شده، پرداخته است. مشروح گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

تاکنون آثار گوناگونی درباره بررسی قیام امام حسین (ع) نوشته شده است. در سده‌های نخست، بیشتر آثار در گونه ادبیات «مقتل‌الحسین (ع)» بود. در سده‌های نخست این گونه ادبیات تا چه اندازه در جاودانگی قیام عاشورا تأثیر داشت؟

با اینکه سالانه ده‌ها کتاب درباره واقعه کربلا و قیام حضرت ابعاد... (ع) در ایران و جهان تشیع و اسلام منتشر می‌شود، متأسفانه هنوز پژوهشی تاریخی درباره عاشورا چنان که باید در همه ابعاد آن گسترش پیدا نکرده است. یکی از این موارد بازسازی مقاتل کهن است؛ نوشته‌های اخباریان و مورخان سده‌های دوم و سوم قمری. تاکنون مقتل «ابومخنف» به‌شکل ناقصی بازسازی شده است، ولی این کار را باید درباره سایر مقاتل نیز انجام داد.

در میان روایاتی که از مقتل‌الحسین (ع) موجود است، برخی به محافل شیعیان کوفه در سده دوم قمری بازمی‌گردد که روایت مقتل را براساس روایات امام باقر (ع) یا امام صادق (ع) حفظ کرده‌اند. البته مورخان بعدی به این دسته روایات نیز توجه داشته‌اند، اما همان‌طور که می‌دانیم، روایت ابومخنف از شهرت بیشتری برخوردار بوده است. برخی روایات شیعیان کوفی که بعضاً نیز تمایلات زیدی داشته‌اند، در دوره‌های بعد، کمتر از سوی امامیان مورد توجه قرار گرفته و شماری از آن‌ها نیز که در متون کهن مرتبط با این موضوع گردآوری شده بودند، متأسفانه از میان رفته‌اند. ما از محتوای بسیاری از این کتاب‌های مقتل‌نویسی اطلاع زیادی نداریم و نمی‌دانیم که روایات آن‌ها تا چه اندازه با روایات «ابومخنف» و امثال او متفاوت بوده است. تنها شماری از روایات این منابع در منابع بعدی نقل شده است. با این وصف آنچه امام باقر (ع) و امام صادق (ع) در این باره روایت کرده‌اند، اهمیت بسیاری دارد و باید بررسی بیشتری درباره آن‌ها صورت گیرد.

آیا اهل سنت نیز در نقل وقایع عاشورا کتابی نوشته‌اند؟

در میان رجال و نویسندگان اهل سنت، شمار زیادی از راویان و محدثان و مورخان را می‌شناسیم که درباره مقتل‌الحسین (ع) کتاب نوشته‌اند. البته در اینجا مقصود من نویسندگان وابسته به دوران استقرار مذهب اهل سنت است و پیش از آن و در دوسه قرن نخستین، راویان عراقی و حجازی بسیاری به روایت اخبار مقتل‌الحسین (ع) عنایت داشته و آن را به‌عنوان بخشی از روایات تاریخی ثبت کرده‌اند. بسیاری از اخباریان این دوره کوفی بوده و تمایلات آشکار شیعی داشته‌اند. اخباریان حجاز نیز به این موضوع توجه داشته‌اند. در دوره تدوین کتاب‌های جامع در تاریخ و طبقات و اخبار تاریخی، مورخان و اخباریان عراقی و حجازی و حتی شامی به این موضوع نیز توجه داشتند و در ضمن آثار آنان که با ترتیب تاریخی و گاهی با عنوان کتاب تاریخ و گاهی در ضمن مجموعه‌ای از کتاب‌های تاریخی که عناوین آنان مستقل اما در ترتیب معینی نوشته می‌شد، عنوان «مقتل‌الحسین (ع)» نیز دیده می‌شود. البته مهم‌ترین کتاب تاریخی، مقتل ابومخنف است، اما در کنار این سند ارزشمند که مورد استفاده طبری قرار گرفته است، شماری مقتل‌الحسین (ع) نیز می‌شناسیم که نویسندگان آنان تمایلات شیعی روشنی نداشته، اما به‌هرحال برای این موضوع اهمیت قائل بوده‌اند. برخی از این دسته روایات به روایات اهل بیت (ع) متکی بود که به‌وسیله راویان کوفی و گاهی مدنی روایت می‌شد. برخی را نیز راویان معتبری مانند محمد بن شهاب الزهری روایت می‌کردند. مورخان مانند بلاذری و ابن سعد از این روایات بهره گرفته‌اند. در این میان، برخی رجال برجسته اصحاب حدیث اهل سنت در چند قرن نخست، در مجامع حدیثی و نیز در کتاب‌های مسانید و در کتاب‌های طبقات خود، از روایات تاریخی و اخبار محدثان گذشته بهره می‌بردند و در بخش مربوط به حضرت سیدالشهدا (ع)، مقتل حضرت را روایت می‌کردند. از این جمله، طبرانی در «المعجم الکبیر» و بسیاری مانند او را باید نام برد.

در میان منابع مکتوب حدیثی نقل‌شده از سده‌های نخستین، زیارت عاشورا جایگاه بسیار ویژه‌ای در ادبیات عاشورایی دارد. برخی به سند این زیارت اشکالاتی وارد کرده‌اند. به‌نظر شما متن این زیارت و مؤلفه‌های آن با دوران نخست پس از حادثه عاشورا تطابق دارد؟

درباره متن و سند زیارت موسوم به «زیارت عاشورا» و اصالت آن تا کنون بحث‌هایی در میان عالمان شیعی مطرح بوده است. علاوه بر جایگاه معنوی این متن زیارتی و تجربه‌های شخصی مؤمنان که در کتاب‌ها و در سنت شیعی معمولاً نقل می‌شود، این متن از نظر تاریخی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. در متن این زیارت هیچ‌گونه مطالب نامتناسب با زمان انتشار آن دیده نمی‌شود. آنچه درباره امامان (ع) و خاندان اهل بیت (ع) در این متن آمده، با عقاید موجود در دوران پایانی عصر امویان سازگار است و از مطالب متحول‌تر دوره‌های بعدی در آن خبری نیست. نوع مطالبی که در این متن ارائه شده است، با وضعیت شیعیان در عصر پایانی امویان و با عواطف و احساسات عمومی شیعیان درباره مصائب اهل بیت (ع) و نسبت به دشمنان آنان یعنی امویان کاملاً سازگاری دارد و فضایی را ترسیم می‌کند که ما آن را در منابع اصیل تاریخی دیگر همین دوران می‌شناسیم.

فضای ولایت و برائتی نیز که در متن زیارت دیده می‌شود، با فضای عمومی نیمه نخست سده دوم قمری سازگاری دارد و این امر بر کسانی که تاریخ فرقه‌های مذهبی در این دوران را مطالعه کرده‌اند، پوشیده نیست. در سراسر این متن بر برائت‌جویی از امویان تأکید شده است؛ امری که به‌وضوح در جریان‌های شیعی در دوران پایانی امویان گسترش یافته بود. در حقیقت، تشیع طیفی وسیع از مخالفان با امویان را تشکیل می‌داد که در عین حال، به اهل بیت (ع) ابراز وفاداری می‌کردند. صرف‌نظر از برخی گرایش‌های خاص شیعی در آن دوران، عموم شیعیان حول محور تأکید بر نپذیرفتن

شورش‌ها

روزنامه مردم/ ۲۴ مرداد ۱۴۰۰



آدم زحمت کشیده‌ای بود و کم‌وبیش منابع تاریخی مشهور را می‌شناخت و در آثارش به کار می‌گرفت. با این وصف، تحصیلات او بیشتر در فقه و اصول بود و در فقه در حد سطوح مدرس خوبی بود. اما دانش تاریخ از نوعی دیگر است. فقط خواندن چند کتاب تاریخی یا آشنایی با چند منبع در سیره و تاریخ کفایت نمی‌کند. به‌ویژه اگر موضوع با مباحث کمترشناخته‌ای مانند اوضاع صدر اسلام و دوران اموی مرتبط باشد. در ۲۰۰ سال اخیر صدها پژوهش در زمینه تاریخ امویان و تاریخ جزیره‌العرب و احوال اجتماعی و سیاسی و فرهنگی اعراب و قبایل عرب فقط در زبان‌های فرنگی منتشر شده و باز همچنان بسیاری از مسائل هنوز درباره عصر اموی ناشناخته است. بررسی فرهنگ سیاسی خلفای راشدین و اموی و مفاهیمی مانند بیعت و شورا و فتنه و از این قبیل و نیز شناخت دستگاه ایدئولوژیک اموی و مناسبات میان قدرت سیاسی و قبیله‌گی و طبقات مختلف جامعه اسلامی در حجاز و عراق بسیار پیچیده‌تر از آن است که فقط با ارجاع به چند کتاب طبری و ابن‌سعد یا بحث‌های جدلی به‌دست آید. در سده بیستم در مصر و عراق و لبنان، کتاب و مقاله در موضوع عصر اموی کم منتشر نشده است که تعدادی از آن‌ها برای درک ما از فرهنگ سیاسی عصر اموی مفید است. درک علل و زمینه‌ها و اهداف و پیامدهای قیام حضرت سیدالشهدا(ع) نیازمند پژوهش‌های تاریخی عمیقی است و این با شناخت گسترده‌ای از تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی ممکن است. در چارچوب‌های پژوهش‌های سنتی تاریخی در این موضوع خاص به‌نظرم کارهای مرحوم علامه‌عسکری و دکترشهیدی از بهترین پژوهش‌ها در زبان فارسی است. برخلاف این دو، از ضعیف‌ترین کارها در عرصه مطالعات مربوط به تاریخ امام‌حسین(ع)، کتاب «شهید جاوید» آقای صالحی‌نصف‌آبادی است. این کتاب برپایه شناخت ناقصی از صدر اسلام، عصر خلفای راشدین، دوران اموی، محیط تاریخی و اجتماعی و سیاسی عراق و شام و حجاز و دست آخر مبانی دینی سده نخست قمری نوشته شد. متأسفانه علل سیاسی و واکنش‌های کمابیش ضعیف، این کتاب را چند سالی به‌شهرت رساند و در نهایت، کمتر فضایی فراهم شد تا به‌خوبی نقد شود. به‌تازگی دیدم برخی از نویسندگان و صاحب‌نظران این کتاب را نقد کردند و به‌درستی بر برخی ضعف‌ها و استنباط‌های غلط نویسنده آن دست گذاشته‌اند. آقای صالحی‌نصف‌آبادی با پژوهشی ناقص و ناستوار و غیرمتعهد به اصول علمی پژوهش تاریخی، قیام امام‌حسین(ع) را تحلیل کرد و بعد چون ایده او در این کتاب که به بحثی تاریخی مربوط می‌شد، با عقیده علم‌به‌غیب امام(ع) سازگار نمی‌افتاد، به عقیده علم‌لدنی امام(ع) پرداخت و حدود آن را به‌نقد کشید. این را می‌گویند خلط تاریخ‌نگاری و عقاید و آن هم با ابزارهای ناصحیح از سوی آدمی که ابزارهای لازم برای پژوهش تاریخی را در اختیار نداشت.

«امت» آنان در کار جفا بر اهل‌بیت(ع) بوده‌اند. در این متن از «سلم» و «حرب» در نسبت با اهل‌بیت(ع) و دشمنان آنان سخن می‌رود و بعد بلافاصله با ابراز لعن نسبت به آل‌زید و آل‌مروان و بنی‌امیه و عوامل و کارگزاران آنان به‌طور شخصی مقصود از دشمنان را تبیین می‌کند. آن‌گاه که در این متن از آل‌مروان و بنی‌امیه سخن می‌رود، روشن است که این سخن در فضایی بیان شده است که در آن این خاندان همچنان دارای قدرت هستند و با این متن، هدف این بوده است که نشان دهند قاتلان حسین‌بن‌علی(ع) و اصحابش گرچه خود در زمان حاضر نیستند، همچنان خاندان آنان هستند و حتی اگر خود را از آن عمل که در زمان یزید خلیفه اموی صورت گرفت برکنار می‌دانند، باز بر همان راه می‌روند و باید امروز با بازماندگان آنان مخالفت و دشمنی کرد. این امر کاملاً فضای یکی‌دو دهه پیش از انقلاب عباسی و وضعیت گروه‌های شیعی را در اوایل سده دوم در کوفه نشان می‌دهد.

●●●
با توجه به نکاتی که درباره پیشینه ادبیات «مقتل‌الحسین(ع)» در سده‌های نخست گفتید، در قرن‌های بعد به‌ویژه عصر حاضر، آثار تحلیلی بسیاری درباره علت قیام امام‌حسین(ع) نوشته شده است. یکی از این کتاب‌ها که جنجال زیادی در دوره خود آفرید، کتاب «شهید جاوید» نعمت‌... صالحی‌نصف‌آبادی است. نظر شما درباره جنبه‌های تحقیقی این اثر چیست؟

تحقیق تاریخی اگر برپایه درستی استوار باشد، گاه می‌تواند مبانی اعتقادی را تصحیح کند و گاهی نیز به‌چالش بکشد. نمونه‌ای که اینجا باید ذکر کنم، کتابی است که یاد کردید. این اثر سال‌ها از اثرگذارترین کتاب‌ها درباره عاشورا و قیام امام‌حسین(ع) بود و نقدهای بسیاری بر آن نوشته شد. من آن مرحوم را فقط یک‌بار در تهران دیدم و با او گفت‌وگو کردم.

خلافت امویان اجماع داشتند. در بخش اصلی این متن، صرفاً بر امویان تأکید و از آنان اظهار برائت شده است. این خود نشان از اصالت متن است، زیرا در متن‌های برساخته بعدی، به‌دلیل تأثیرپذیری از فضا و ذهنیت عمومی، نوع اظهار برائت‌ها به‌گونه‌ای است که چنین تأکیدی را بر امویان که به‌هرحال زمان آنان سپری شده است، از دست می‌دهد و تعبیر عام‌تری را شامل می‌شود که قابل تفسیر به عصر عباسیان می‌شده یا عقاید متحول‌تر شیعیان را درباره دایره برائت‌جویی‌ها در بر می‌داشته است.

●●●
در متن زیارت عاشورا، نام‌هایی از دشمنان و عاملان شهادت حضرت(ع) و پیروی‌کنندگان آن‌ها ذکر شده است. این تعبیر نیز تأییدکننده صدور این زیارت در سده‌های نخست است؟

در این متن نام شماری از دشمنان اهل‌بیت(ع) می‌آید که کاملاً نشان‌دهنده آن است که این متن در دورانی ارائه شده است که این نام‌ها هنوز برای مخاطبان شناخته بوده‌اند. تأکید بر آل‌زید یا شمر و عمرسعد در متنی که در دوران پایانی امویان ارائه شده، کاملاً طبیعی است و نشان‌دهنده احساس عمومی شیعیان درباره ظلم و جفایی است که از سوی امویان و تک‌تک ایادی و عوامل آنان در حق اهل‌بیت(ع) اعمال شده است. اگر این متن در دورانی متأخرتر ساخته شده بود، تحت‌تأثیر شرایط زمانی قرار می‌گرفت و از آن جمله اینکه تا این اندازه نام اشخاص و همچنین خاندان‌های مختلف اموی یا موالی امویان در آن مطرح نبود. اینکه در این متن از لعن و نفرین بر آل‌امیه و خاندان و عوامل سفاک آنان تا ابد سخن رفته، نشانه خوبی است برای اینکه این متن در زمانی ارائه شده که این خاندان‌ها قدرت داشته و متنعم از دستگاه جور امویان بوده‌اند و «اشیاع و اتباع و اولیای» آنان و به‌تعبیر دیگر زیارت،

نقش عشق بر پرده‌های دلدادگی

درباره نقاشی قهوه‌خانه‌ای که روزگاری به‌مثابه یک رسانه، نقش مهمی در ارتباطات اجتماعی مردم ایفا می‌کرد



پرده نقاشی «جنگ روز عاشورا» یکی از شاهکارهای حسن اسماعیل زاده



مجید ادیبی

ایران برجسته شده است که روزگاری کارکردی همچون رسانه‌ای پرمخاطب و فراگیر داشته و هوش و دل مردم را تسخیر کرده بود. آنچه در پی می‌آید، تکمله‌ای است از یک هنر فراموش‌شده که با باورهای مذهبی و فرهنگی یک ملت عجین شده بود؛ درباره گونه‌ای منحصر به فرد از نقاشی ایرانی؛ نقاشی قهوه‌خانه.

هرچند مضامین موجود در آن جز شرح حوادث جانکاه کربلا و عمق باورهای مذهبی، روایتگر اسطوره‌های شاهنامه و جوانمردان جاویدان تاریخ ایران نیز بود. این آمیختگی هنر و روایت، مهم‌ترین ویژگی یکی از هنرهای در معرض فراموشی ایران است که امروز اثری از آن نمی‌بینیم. پیوند نقاشی و نقالی، از آن جهت در تاریخ

که شرح یکی از ترازیک‌ترین حوادث تاریخ را در میدان‌ها، تکایا و قهوه‌خانه‌ها، به‌روی پرده‌هایی که با عشق رنگ‌ولعابی گرفته بودند، برای مردم نقل می‌کردند. نقل حماسه بود و ایثار و شهادت و نفی جنایت بود و پلیدی و ظلم که با قلم‌موی نقاشی زبردست به‌روایت تصویر درمی‌آمد و نقال با صدایی رسا و پرشور، آن را به‌گوش مردم می‌رساند.

نبرد خیر و شر، تقابل مظلوم و ظالم و استعاره‌هایی تصویری از پیروزی حق بر باطل؛ این‌ها آشنا ترین مفاهیمی هستند که از ۱۵۰ سال پیش بر پرده‌هایی سفید نقش بسته و روزگاری ورد زبان اهالی کوچه و بازار بوده‌اند. در روزگاری که حاکمان مستبد و خودرأی (پهلوی اول)، منبرهای عاشورایی را محدود و ممنوع می‌کردند، این نقالان کوچه و بازار بودند

●●● نقاشی قهوه‌خانه‌ای به‌مثابه روایت

رویین پاکباز در کتاب فاخرش «دایرةالمعارف هنر»، شرحی خواندنی بر هنر نقاشی قهوه‌خانه نوشته است، اما آنچه او در توصیفش از این گونه هنری می‌آورد، خط و ربط‌های پررنگی از «روایت» دارد که معرفه‌ای شاخص در نقاشی قهوه‌خانه به‌شمار می‌رود: «اصطلاحی است که برای توصیف نوعی نقاشی روایی با تکنیک رنگ‌روغن استفاده می‌شود». آمیختگی روایت و تصویر در نقاشی قهوه‌خانه اگرچه برآمده از مکتب قاجار در نگارگری ایرانی است، اما قدمتی بیش از دوره قاجار دارد و رگ‌وریشه آن را می‌توان در مکاتب نگارگری ایرانی پی گرفت. با این تفاوت که نقاشان قهوه‌خانه اصولاً پیرو مکتبی خاص از نقاشی ایرانی نبودند و اصطلاحاً به نقاشان «مکتب‌نیده» مشهور بودند. نقاشی قهوه‌خانه پدیده‌ای جدید نسبت به دیگر قالب‌های نقاشی عامیانه به‌شمار می‌رود (پرده کشی، دیوارنگاری بقاع متبرکه، نقاشی پشت شیشه با مضامین مذهبی و...) و مضامین اصلی این نوع نقاشی در سه عنوان کلی دسته‌بندی می‌شود: مضامین مذهبی، مضامین رزمی و مضامین بزمی که واقعه کربلا، قصص قرآن، حکایت‌های عامیانه، داستان‌های شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی و... موضوع‌های اصلی این نوع از نقاشی ایرانی است و نقاش این موضوع‌ها را مطابق شرحی که از زبان نقال، تعزیه‌خوان، مداح و روضه‌خوان می‌شنید و همان گونه که در ذهن مردم کوچه و بازار وجود داشت، به‌تصویر می‌کشید.



پرده مشهور «مصیبت کربلا» اثر ماندگار حسین قوللر آقاسی

●●● صراحت لحن در عین سادگی

اسلوب‌ها و شگردهای تصویری که در پرده‌های نقاشی از سوی این نقاشان استفاده می‌شد، بر اساس شگردهای متداول نقاشی بود، اما هر نقاش با توجه به سلیقه و روش‌های تجربی‌اش به خلق اثر می‌پرداخت. به‌همین دلیل، بیشتر پرده‌های نقاشی قهوه‌خانه‌ای لحنی صریح و در عین حال بیانی ساده داشتند که هدفشان اثرگذاری بیشتر بر مخاطبان بود. نقاش قهوه‌خانه‌ای در بیشتر موارد در پرده‌های نقاشی نام اشخاص را در کنار تصویرشان می‌نوشت: «شخصیت اصلی را بزرگ‌تر از اشخاص فرعی نشان می‌داد یا قراردادهای تصویری معینی برای تأکید بر جنبه‌های مثبت یا منفی شخصیت‌ها استفاده می‌کرد، اما پای‌بندی به روایتگری هیچ‌گاه او را از خیال‌پردازی و تمثیل‌سازی باز نمی‌داشت.» (رویین پاکباز، دایرةالمعارف هنر) از دیگر شاخصه‌های نقاشی قهوه‌خانه‌ای می‌توان به شگردهای برجسته‌نمایی و ژرف‌نمایی که از سوی نقاشان به‌کار برده می‌شد، اشاره کرد که مهم‌ترین ویژگی آن بهره‌گیری از شیوه و اسلوبی آزاد در طراحی بود و نقاش بدون رجوع مستقیم به مدل، تصویرسازی می‌کرد. به‌همین دلیل خود نقاشان قهوه‌خانه‌ای عنوان «خیالی‌سازی» را برای کارهایشان برمی‌گزیدند تا از نقاشانی که به واقعیت عینی می‌پرداختند و شخصیت‌ها را بر اساس رجوع مستقیم به مدل طراحی می‌کردند، متمایز باشند.



گوشه‌ای از جان‌نثاری حبیب‌ن‌مظاهر در پرده نقاشی «نماز ظهر عاشورا» اثر محمد مدبر

●●● عجین با فرهنگ و جامعه شهری

یکی از شاخصه‌های مهم نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای، پیوند این گونه هنری با جامعه شهری است و نقاشان این گونه آثار، آمال و علایق ملی و اعتقادات مذهبی جامعه را بازتاب می‌دادند. رویین پاکباز بر این باور است که خاستگاه این نوع نقاشی «قهوه‌خانه» است، زیرا نه فقط پیوندی نزدیک با نقالی داشته، بلکه صاحبان قهوه‌خانه از نخستین سفارش‌دهندگان آن نیز به‌شمار می‌رفته‌اند: «این پرده‌ها علاوه بر قهوه‌خانه‌ها، در محل‌های عزاداری، دکان‌ها، زورخانه‌ها و حمام‌ها نیز آویخته می‌شدند و موضوع پرده، محل نصب آن را معین می‌کرد. برای نمونه، موضوع روز عاشورا برای تکایا و موضوع جوانمرد قصاب برای دکان‌های قصابی به‌تصویر درمی‌آمد.» بیشتر نقاشان قهوه‌خانه‌ای از طبقات میانی جامعه و مردم بودند و شغل آن‌ها نیز چیز دیگری بود و در حرفه‌هایی چون کاشی‌سازی، گچ‌بری، نقاشی ساختمان و... فعالیت داشتند، اما بنابر ایمان و علاقه شخصی و بر اساس شیوه‌های تجربی، فن پرده‌نگاری رنگ‌روغنی را آموخته بودند.



نبرد حضرت علی اکبر (س) در پرده نقاشی «جنگ تاریخی روز عاشورا» اثر حسن اسماعیل زاده

●●● روایتی تصویری علیه شر

رویین پاکباز در بیان یکی دیگر از شاخصه‌های این گونه نقاشی ایرانی می‌نویسد: «کوشش نقاش قهوه‌خانه در بازنمایی صحنه و نمایش خصوصیات ظاهری و درونی آدم‌ها، همواره تحت تأثیر جانب‌داری او از نیروهای خیر است. او با همین انگیزش اخلاقی و عقیدتی و بنابر منطق روایی پرده‌هایش، قراردادهای خاصی را در طرز ترسیم پیکرها و جامگان، رنگ‌گزینی و ترکیب‌بندی رعایت می‌کند. بنابراین، نقاشی قهوه‌خانه در مقایسه با مکتب‌هایی چون پیکره‌نگاری درباری، از نظام زیبایی‌شناسی خاصی برخوردار نیست.»

وقتی از یک مکتب نوپدید که بیشتر هنرمندان آن مشهور به «مکتب‌نپسند» هستند حرف می‌زنیم، روا نیست از مبدعان آن یاد نکنیم. مهم‌ترین چهره و پیش‌قراول این گونه نقاشی حسین قوللرآقاسی است. پس از او نیز محمد مدبر با آثار بی‌بدیش این هنر را به اوج شکوفایی رساند، به‌طوری‌که حتی نوآوری‌های تکنیکی او تأثیری شگرف بر هنر معاصر ایران گذاشت. فتح... قوللر، حسین همدانی، حسن اسماعیل‌زاده (چلیپا) و عباس بلوکی فر از شاگردان محمد مدبر به‌شمار می‌آیند. در مشهد نیز اکنون محمدرضا حمیدی تنها بازمانده نسل طلایی پرورش‌یافتگان مکتب نقاشی قهوه‌خانه‌ای شناخته می‌شود.

●●● پیوندهای عمیق نقاشی قهوه‌خانه‌ای و قیام عاشورا

تاریخ هنر نقاشی ایرانی پیوندی عمیق و ارتباطی تنگاتنگ با متون زبانی مکتوب و شفاهی دارد که مهم‌ترین ویژگی بیانی نقاشی قهوه‌خانه‌ای نیز همچون سایر گونه‌های نقاشی ایرانی، ارتباط آن با محل عرضه هنر و مردم بوده است (حسینی، تکایا، قهوه‌خانه‌ها و ...). بر این اساس یکی از پرتکرارترین مضامین نقاشی قهوه‌خانه‌ای به قیام امام حسین (ع) و واقعه عاشورا اختصاص دارد.

آنچه در نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای با موضوع عاشورا اهمیت دارد، ذوق و باورهای مذهبی مردم است که در مقابل هنر رسمی (حاکمیت) آن دوران قرار می‌گیرد. در ایران، نقاشی‌های درباری و چهره‌نگاری‌های شاهان و نزدیکان و چاکرانشان از سوی حاکمان به نقاش سفارش داده می‌شد، درحالی‌که نقاشی قهوه‌خانه‌ای از سوی مردم به‌ویژه اصناف و نقالان به هنرمند سفارش داده می‌شد. در این میان، مذهب نه‌فقط بخشی از موضوعات نقاشی قهوه‌خانه‌ای را به خود اختصاص داده است، بلکه نقش پررنگی در شکل‌گیری آن دارد.

رگ‌وریش نقاشی قهوه‌خانه‌ای حتی بی‌ارتباط با هنر تعزیه هم نیست، به‌طوری‌که در دوره آل‌بویه، برپایی مراسم مذهبی برای امام حسین (ع) و شهیدان کربلا رونق می‌گیرد و نخستین پرده‌های نقاشی مذهبی به شیوه خیالی‌نگاری در آن زمان به‌روایت تصویر درمی‌آید.

در دوره صفویه و زمان حکومت شاه‌اسماعیل اول نیز به‌دلیل ترویج روحیه سلحشوری در سربازانی که عازم نبرد با دشمنان ازبک و عثمانی بودند، پرده‌هایی از واقعه عاشورا کشیده می‌شد و نقالان برای برانگیختن روحیه نبرد، شرح دل‌آوری‌ها و ایثارگری‌های یاران امام حسین (ع) را برای سربازان نقل و روایت می‌کردند.

●●● حزن کربلا بر پرده‌های خیال

در پرده‌های نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای، بیشتر روایت‌های مرتبط با عاشورا در چند موضوع فراوانی بیشتری دارد و نقال به روایت آن وقایع می‌پرداخته است که از جمله می‌توان به ذکر مصیبت کربلا و گودال قتلگاه، دعوت کوفیان از امام حسین (ع)، حرکت امام حسین (ع) از مدینه به کربلا (کاروان غم)، جنگ دو برادر با کوفیان، سلحشوری حضرت ابوالفضل در فرات و نخلستان‌های کربلا، شهادت دشمن از سوی یاران امام حسین (ع)، اقدام زنان بنی‌اسد برای دفن شهدای کربلا، اربعین امام حسین (ع)، منبرهای آتشین حضرت زینب (س) علیه یزید و بنی‌امیه و ماجرای توبه حر و ... از جمله پرتکرارترین مواردی است که در نقاشی‌های قهوه‌خانه به‌شیوه خیال‌پردازی نقاشی و از سوی نقالان و مداحان نقل می‌شد.

علاوه بر موضوع‌ها و روایت حوادث کربلا، شخصیت‌های این قیام بزرگ تاریخی نیز در موارد بسیاری به‌تنهایی سوزه اصلی این پرده‌های نقاشی هستند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تصویرگری امام حسین (ع)، حضرت زینب (س)، حضرت ابوالفضل، حضرت علی‌اصغر، حبیب‌بن‌مظاهر، حر و ... اشاره کرد که به‌عنوان سوزه اصلی این پرده‌ها به‌تصویر درمی‌آمده است.

●●● آمیخته به رنگ باور

جلوه‌گری نقش‌های خیالی که آمیختگی فراوانی با مذهب و باورهای دینی دارند، در نقاشی قهوه‌خانه‌ای با رنگ متبلور می‌شود، به‌شکلی که جنبه‌های نمادپردازی در رنگ‌های به‌کاررفته از سوی نقاشان اهمیت فراوان داشته و براساس شخصیت‌ها (سوزه پرده‌های نقاشی) و موقعیت آن‌ها، رنگ‌ها نیز در نقاشی جلوه‌گر می‌شدند و بخشی از معنای اثر بودند. برای نمونه، رنگ سبز که نمادی از پنج‌تن آل‌عبا (ع) و اهل‌بیت (ع) ایشان و نیز نمادی از جاودانگی، شکوفایی و زندگی است، به‌وفور در پرده‌های نقاشی قهوه‌خانه‌ای استفاده می‌شد. این رنگ معمولاً بر جامگان، پرچم‌ها و پره‌های روی کلاه خود شخصیت‌ها در پرده نقاشی نیز جلوه‌گر می‌شد. همچنین می‌توان به رنگ سفید اشاره کرد که نمادی از توبه و آزادگی است که در شخصیت‌پردازی حر در پرده‌های نقاشی قهوه‌خانه نمود داشت. با این همه، مهم‌ترین کارکرد رنگ‌ها در آثار نقاشی قهوه‌خانه‌ای، نمادپردازی تقابل دو جریان خیر و شر است.



پرده نقاشی «دارالانتقام مختار» به‌قلم حسین فخاری در سال ۱۳۲۲ در اصفهان کشیده و به یکی از هیئت‌های مذهبی مشهد اهدا شد



پرده نقاشی «واقعه روز عاشورا» به‌قلم حسین فخاری که سال ۱۳۲۳ نقاشی و به یکی از هیئت‌های مذهبی مشهد اهدا شد

●●● آموزش ورای زیبایی

نقاشی قهوه‌خانه‌ای از جنبه‌های ارتباطی نیز جایگاهی ممتاز در هنر ایرانی دارد که مهم‌ترین وجه تمایز آن با دیگر گونه‌های نقاشی ایرانی، نقش آن در بیشتر شدن پیوندها و تعاملات اجتماعی مردم کوچه و بازار بوده است. در این میان، می‌توان به پرتکرار بودن و اهمیت داشتن جنبه‌های آموزشی این گونه نقاشی نسبت به جنبه‌های زیبایی‌شناسی آن اشاره کرد؛ جایی که مفاهیمی همچون عدالت، آزادگی، تقابل با شر، معصومیت، دوری از منکر و جز این‌ها با درهم‌آمیختگی روایت نقاش و نقال و مداح، به مخاطبان این گونه هنری عرضه می‌شد.

منابعی که در نگارش این مقاله از آن‌ها بهره گرفته شده است: کتاب‌های «دایرة‌المعارف هنر» و «نقاشی ایرانی» نوشته رویین پاکباز، کتاب «نقاشی قهوه‌خانه‌ای» نوشته هادی سیف، مقاله «تأملاتی درباره موضوعات ملی و مذهبی در نقاشی قهوه‌خانه‌ای» (فصلنامه نگره) نوشته کاظم چلیپا، مقاله «مطالعه تطبیقی روایت‌پردازی دینی در نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای و گوتیک» (فصلنامه نگره) نوشته اعظم حکیم و ابوالقاسم دادور.



هرچه داشت پای علمش ریخت



قاسم فتحی

علم شاه حسین اولش یک نفره بود. اولش یعنی اوایل دهه ۳۰. یک نفر با چندتا از دوست و رفقایش آن را می بردند و می آوردند. ساده و عادی شبیه علم هیئت های دیگر. حتی شاید نحیف تر و کوچک تر از باقی. پدرش اولین علم را در ۹ سالگی با چندتا حلب و لوله آهنی و مقداری پرچم برایش می سازد و او از آن روز تا آخر عمرش دیگر بی علم ننماید. پسر پیرمرد کشاورز یزدی راننده کامیون بود. گاهی کرج، گاهی مشهد، گاهی جنوب، گاهی شمال. هرروز، هرچیزی، به هرکجا که بار می خورد، می برد. کسی نمی داند این راننده کامیون دقیقاً چطور و از کی صاحب بزرگ ترین علم ایران شد. همه فقط این را می دانند که شاه حسین هرچه مال و منال داشت، پای علمش ریخت. متولد سنه ۱۳۱۱ که از همان بچگی توی دم و بازدم هیئت های مختلف چرخ می خورد؛ هیئت رضاترکه،

خمس طویه، دوازده امامی ها، میرزایی سادات رضوی و... همان دوره ای بود که پدر و مادرها حلقه ای به گوش بچه هایشان می انداختند و رسماً نذری و حیدری می شدند. بچه ها دهه اول محرم را می رفتند زنجیر زنی. زنجیر برنجی بچه ها با دسته و ریش و پنج شش رشته بیشتر نداشت، اما زنجیر مردها و داش مشتی ها به چهل پنجاه رشته هم می رسید. پیشاپیش هیئت چند جفت بیدق سیاه و یک زوج علم را جلو می بردند و یک نفر هم بود که جلو دسته کیسه کاه دستش بود و روی سر عزاداران می ریخت. بعضی بچه ها اما دنبال سقا شدن بودند. پیراهن زنجیر زنی دور رشته چل بسیم...، چپ و راست، حمایل می کردند. یک حوله حمام به کمر می بستند، کلاه به سر می گذاشتند. بعد با کشکول حلبی که رویش با خرده حلب گنبد و بارگاه و ضریح ساخته شده بود، پر از آب یخ و پای برهنه توی کوچه و خیابان فریاد می زدند: «آب ما گلاب داره، خوردنش ثواب داره...» شاه حسین جوانی هایش پیش از اینکه کامیون بخرد، نجار بوده. دکانش توی بازارچه «حاج آقا جان» بود کنار حرم توی بست بالا. یک بار در همان نجاری سه تا از انگشت هایش زیر دستگاه می رود و به پوست آویزان می شود. خودش می گفته تکه های انگشتش را از زیر خاکاره بیرون کشیده و گذاشته لای دستمال و رفته سمت بیمارستان آمریکایی ها. دکتر گفته بود کاری از دستش بر نمی آید. شاه حسین هم گفته بود: «شما این ها رو بخیه بزن، باقیش با خودم!» بعد توسل کرده بوده به حضرت ابوالفضل (ع) و ظاهراً انگشت هایش جوش خورده بودند، جز یکی که کمی، فقط کمی، انحنای پیدا کرده بود.

می خوابیدند تا کسی چیزی کش نرود ازش. کسی شیر و طاووس و مرغ و غزال و پر شتر مرغ را، حالا به هر نیتی، با خودش نبرد. پر شتر مرغ روی علم شاه حسین پر خاصی بود. کسی نبود که بتواند توی ایران پر رنگ کند. شاه حسین رفیقی داشت که پسر هایش آمریکا بودند. به رفیقش که هر دوسه سال یک بار می رفت آنجا، سفارش پر می داد. بعد بچه هایش از همان جا یا کشورهای دیگر می رفتند پر می خریدند برای علم. پرهایی که ۹۰ سانت ارتفاع داشتند و علامت پرواز بودند؛ پرواز بین زمین و آسمان. پرها فرشته هایی را به یاد می آورد که دیر رسیده بودند به معرکه و کار از کار گذشته بود. برای همین دیگر به آسمان برنگشته بودند.

●●●

شاه حسین وقتی دید که علم دیگر جای خالی ندارد و همه جایش را پر کرده، افتاد به بزرگ کردن طول و عرضش. دسته گل شاه حسین رسیده بود به ۹ متر. سه تا پایه گذاشت برایش. سه نفره اش کردند. یکی وسط، دو نفر هم چپ و راست. سه نفر هم قد و هم هیکل باید می رفتند زیرش با ده ها نفر هیئتی که مراقبشان باشند. بیشتر از هر وقت دیگر توی چشم بود و هواخواه زیادی پیدا کرده بود. حالا بلند کردنش فنی تر و تخصصی تر هم شده بود. بار سنگین علم باید میزان باشد. یعنی هرچه یک طرفش دارد، باید آن طرفش هم داشته باشد. ولی علم کش ها هر قدر هم زور بازو می داشتند، باز هم چیزی حدود صد نفر با چشم های باز دور و برشان بودند تا علم لنگر نیندازد و زمین نخورد.

●●●

تصویر شاه حسین را اولین بار در آلبوم حاج محمد توانایی دیدیم؛ چهارشانه، بلند بالا و رشید، عین باقی لوطی ها. ممد آقا از همان موقعی که علم شاه حسین شش متری بود، با او عیاق شد و جفت و جور. عکس ها را که می بینیم، رفیقمان می پرسد: «این عکسای پانوراما رو کی گرفته؟» حاجی می گوید: «این ها رو فقط یه عکاس تو مشهد می گرفت، پول دو تا رو می گرفت، یکی چاپ می کرد، دو تا کاغذو می داشت کنار هم تا همه

۱۹ ساله بود که ازدواج کرد. می گفتند شاه حسین برای این هفت تا بچه آورده که توی خانه یک هیئت هم برای خودش داشته باشد. ولی سوغات بچه ها همین بود. حیوانات روی علم را از اصفهان و تهران و شیراز و از هر کجا که دستش می رسید، می خرید و سوار علم می کرد. حیوان های روی علم یا نقره کوب بودند یا طلا کوب. مثلاً وقتی می رفت میدان سید اسماعیل می آمد، به دوستانش می گفت: «دو تا طاووس خریدم و یه دونه مرغ فلزی و دو تا شیر!» همه این ها را با پول بار کامیون می خرید و می آورد. نه از کسی پولی قرض می کرد و نه اجازه می داد کسی برای علمش چیزی بخرد. یک بار هم رفته بود تهران ماشین سواری بخرد، ولی به جایش دو تا شیر خریده بود. حتی بخشی از پر مرغوب شتر مرغ را هم رفته بود از سوریه خریده بود. حساب می کردند اگر ماشین سواری آن زمان ۱۶ هزار تومان بود، او رفته با پول دو تا ماشین که می شده حدود ۳۵ هزار تومان، دو تا شیر خریده بود. همه هم کار دست بودند. اوستای شیر ساز یک بار به او گفته بود: «مشهدی، چه قدر تو ساده ای، اگر چانه می زدی، من راه می آمدم با تو و کمتر می گرفتم!» شاه حسین هم گفته بود: «نه خیر، من ساده نیستم، ۳۵ هزار تومن دادم و برای من همان ۳۵ هزار تومن را می نویسند، نه کمترش را.»

●●●

رسید به جایی که دیگر علم جا نداشت حتی برای ۱۰ سانت. مدام نگران بود که چیزی از علم کم نشود. آخر اشیای قیمتی هم کم نداشت. یکی دوباری هم ظاهراً چیزی از رویش باز کرده بودند. علم تا آخر عمرش جای درست و حسابی برای پارک کردن نداشت. خانه شاه حسین آن قدرها بزرگ نبود، ولی به اندازه ای بود که مجلس روضه بگیرد و گاهی هم مجلسش را می برد توی مساجد و حسینیه هایی که می شناخت. حاج محمد توانایی، یکی از علم کش های قدیمی و رفیق شفیق شاه حسین، تعریف می کرد که سال های دهه ۷۰ و ۸۰ چند نفره شب های محرم پای علم

علم رو توی یه عکس جا بده، توی این عکس علم جای بانک سیاه سابق حوالی میدون شهداست، شاهحسین ایام عزاداری اون جا نگهش می‌داشت! حالا حدود ۱۲ سال است که شاهحسین از دنیا رفته است. حاج‌ممد از دوستان قدیمی‌اش بود. توی خیابان گاراژدارها ترمزسازی داشت. می‌گوید شاهحسین می‌آمده توی تعمیرگاهش و می‌گفته: «حاجی، این هفته می‌خوام بریم بازار، علم رو درست کنیم و بیریمش هیئت!»

می‌گوید لباس سیاه عزا همیشه زیر پیراهنش بود. نگران بود که نکند یکهو سر از هیئت دربیارد و لباس سیاه تنش نباشد! همان لباس عزایی که با خودش دفن کردند. حاجی بعدش شروع کرد به نقل قصه‌های زیر علم: «من یه بار، زیر علم، مغزم می‌خواست از جادربباد، حس کردم چشمم از توی کاسه یه کمی قل خورد اومد جلوتر، فهمیدم دوسه نفر دیگه از علم کشا نامردی کردن!» نامردی زیر دسته‌گل امامحسین(ع)؟ حاجی کفری شده بود: «اون روز فشار زیادی اومد رو شونه‌هام، می‌خواستم جفتشون رو بکشم، از میدون شهدا می‌اومدیم، اون موقعی بود که علم ۹ متری بود، با خودشون گفته بودن ول می‌کنیم ببینیم ممد چی کار می‌کنه، یعنی من داشتم زور اونا رو هم می‌کشیدم، قلقلو رو هم (کمربند چرمی که علم کش‌ها باید آن را موقع کشیدن به خودشان ببندند) پایین کشیده بودن. یه دفعه وقتی گفتم علم رو ولش کنین، دیدم این علم علم یه ساعت پیش نیست، وزنش مثل همیشه نیست، گفتم یا امامحسین(ع) کمک کن و کمکم کرد، با همه این‌ها پونزده‌بیست قدم علم رو بردم جلو، خودشون یه جوری شده بودن، بعد یاعلی کردم و علم رو گرفتن ازم، یکی شون هم هنوز هست، من ولی داشتم با تمام قدرت می‌بردمش جلو، چون وسط جمعیت بودم به امامحسین(ع) گفتم اینجا دیگه بیشتر یاری کن آبروی ما نره و یاری هم کرد و علم با اون عزم اومد جلو، آقایی که چوب‌دار بود اومد کمکم آقا این‌جوری شده و این‌ها این‌جوری کردن، ولی خداروشکر هیچیم نشد، تکون نخوردم، البته بیشتر هم می‌تونستم ببرم جلو، ولی خب نگران خودم شدم، بعدش خود شاهحسین فهمید و کلی توپید بهشون، ولی شاهحسین دلش می‌خواست جونا بیان زیر علم، خودش جاذب بود، کینه نمی‌گرفت از کسی، نقره‌داغ نمی‌کرد کسی رو.»

●●●

یک‌بار نصف لامپ‌های علم سوخته بود. به‌خاطر تحریم گیر نمی‌آمد. کسی لامپ یخچالی نداشت. مشهد را زیرورو کرده بودند. شاهحسین و علم کش‌ها اطراف همان عقب‌نشینی بانک سیاه بودند. رئیسش هم آدم درست و خوبی بود و برق می‌رساند بهشان. ولی خب لامپ‌ها سوخته بود و اوقات شاهحسین خیلی از این بابت تلخ شده بود. وسط خیابان همین‌طوری راه می‌رفت و فکر می‌کرد و داد می‌زد: «یا امام‌رضا(ع)، یا امامحسین(ع)، خودت درستش کن!» همه سرگرم کار خودشان بودند و مشغول تروتمیز کردن علم. کسی امیدی به روشنایی نداشت. یکهو جوان موتورسواری ترمز می‌کشد بیخ جماعت. تیپ‌وتارش ساده بود. پیک بود انگار. شاهحسین سرگرم علمش بود. محلش نگذاشت. ذهنش درگیر بود. قیلش هم هرکسی پیشنهادی داده بود. یکی می‌گفت لامپ‌های سالم را دوتا یکی کنیم، یکی می‌گفت همان‌هایی را که روشن می‌شوند روشن نگه داریم و برویم به‌امان خدا. جوان موتوری گفت: «شاهحسین! لامپ نمخی بره علمت؟» حالا خود شاهحسین با هرکسی که می‌شناخت حرف زده و هرکجا که عقلش می‌رسید رفته بود که این دسته‌گل شب را بدون نور نگذارند، چراغانی باشد، نورانی باشد. همه مات مانده بودند. دوباره گفت: «چندتا مخن؟» حالا همه زبان باز کرده بودند. گفتند: «هر چندتا، اصلا هر چندتا که داری ما می‌خریم.» اما هنوز کسی باورش نشده بود. با خودش می‌گفتند دارد چرند تحویلیمان می‌دهد. همین که زیب کایشنش را کشید پایین و جعبه‌های لامپ را درآورد، همه

دوباره ساکت شدند. حالا همه لامپ‌ها را گرفته بودند دستشان و دسته‌جمعی گریه می‌کردند. چشم‌هایشان روشن شده بود.

●●●

پدر علی‌اصغر نعیم‌آبادی یک هیئتی مؤثر بود و حدود ۹۰ یا ۹۵ سال پیش اتحادیه هیئات مذهبی را تشکیل داده بود. همین آشنایی و حضور علی‌اصغر در کنار پدر و همسایگی با شاهحسین باعث شد علمش راهی موزه آستان‌قدس‌رضوی شود. متولد سال ۱۳۲۹ بود و از همان حدود هفت‌سالگی مداح خوبی شده بود. برای همین، هم رفقای پدرش را خوب می‌شناخت و هم هیئتی‌های مشهد را. هیئتشان توی کوچه «عیدگاه» بود. معماری حسینی و تکیه‌های آن زمان را شبیه حرم می‌ساختند. شبستان داشتند و غرفه و ورودیشان مثل زورخانه‌ها پله می‌خورد و می‌آمد پایین. انتهای حسینیه کوچه‌ای بود که خانه شاهحسین آنجا بود. او انتهای کوچه عیدگاه همسایه هیئت و حسینیه «قفلگرها» بود. آشنایی نعیم‌آبادی برمی‌گردد به هشت‌سالگی‌اش و اواسط دهه ۳۰. هیئتی‌های کوچه عیدگاه هم به هیئتشان می‌رفتند و هم زیر علمش را می‌گرفتند. روزهای اولیه علم بود. می‌دانستند که خودش و زندگی‌اش وقف امامحسین(ع) بود. خوش‌بزم بود و خوش‌مشراب. برای همین بعد از انقلاب که علمش افتاد سر زبان‌ها، همه دوست داشتند شاهحسین بیاید توی هیئتشان. دیگر توی ایران علمش شهرت زیادی پیدا کرده بود. وقتی با لامپ‌های روشن دور طوق می‌آمد، زیر طاق ورودی صحن انقلاب، شکوه زیادی پیدا می‌کرد. ۱۰ دقیقه یا یک‌ربع همان‌جا نگهش می‌داشت. علم که می‌آمد زیر طاق، با دیوار ورودی فقط نیم‌متر، شاید هم کمتر، فاصله داشت، اما بعد از انفجار حرم در ظهر عاشورای سال ۱۳۷۳، این لحظه تا همیشه از جلو چشم شاهحسین و زائران محو شد. خیلی زود آمدن علم‌ها به حرم ممنوع شد. دماغ شده بود و علم‌کشی و علم‌داری مثل سابق دیگر برایش دلچسب نبود. زمان گذشت تا یک‌سال قبل از فوتش که بیشتر از هروقت دیگر در تمام عمر نگران علمش شد. نعیم‌آبادی جوان حالا دیگر عضوی از خانواده شاهحسین شده بود و یکی از مسئولان سابق هیئت‌های مذهبی استان و خادم چهل‌پنجاه‌ساله حرم. او آن‌قدر به شاهحسین نزدیک بود که کارهای شخصی‌اش را گاهی برایش انجام می‌داد. مثل پسرش بود و محرم خانه‌اش. توی همان روزها و شب‌ها کنار علی‌اصغر نعیم‌آبادی می‌زند زیر گریه. غصه پرش کرده بود. شستش خبردار شده بود که دیگر چیزی به آخر عمرش نمانده است. می‌گفت: «می‌ترسم، می‌ترسم اتفاقی برای این علم بیفتد!» هرکسی هم جای او بود، همین حس‌وحال را داشت. مثلش هیچ‌جای دنیا پیدا نمی‌شد. می‌توسید شرحه‌شرحه شود و هر تکه‌اش سر از یک‌جا دربیارد. چند بار درد دل کرده بود تا اینکه یک‌روز گفت: «می‌خواهم علم را ببرم کربلا و بگذارمش توی بین‌الحرمین!» نعیم‌آبادی می‌رود دنبال کارهایش با اینکه ته‌دلش می‌داند این کار شدنی نیست. دست‌آخر به همان نتیجه اول می‌رسد. اینکه بردن علم به یک کشور

بی‌ثبات که مدیریت درستی ندارد، به‌صلاح نیست. دوم اینکه رها کردن علم بدون هیچ حفاظ و مراقبی ممکن بود باعث شود اسباب و تجهیزاتش را توی بین‌الحرمین باز کنند، در صورتی که او از علمش مثل برگ‌گل محافظت می‌کرد. آخر و مهم‌تر از همه اینکه فرهنگ علم و علم‌کشی به‌نسبت ایرانی‌ها و به‌ویژه خراسانی‌ها و مشهدی‌ها توی عراق چندان شناخته‌شده نیست و طالبی ندارد و اگر برود آنجا، دیگر همه‌چیز از دستشان خارج می‌شود. بعد حتی رفتند سراغ اینکه علم را ببرند توی موزه حرم امامحسین(ع) یا حضرت‌عباس(ع)، اما موزه‌ها هم این قدری گنجایش نداشتند. این اخبار و نتایج را هرکسی نمی‌توانست به شاهحسین بدهد. چون دوباره ماتم می‌گرفت و رنج می‌کشید. اما خبر به او رسید. به اینکه کار شدنی نیست. اما یک پیشنهاد باعث شد دوباره فکروخیال نکند و حتی از شنیدنش ذوق‌زده شود: «اگر شد، موافقی که ببریمش موزه حرم امام‌رضا(ع)؟» نعیم‌آبادی می‌گفت با این پیشنهاد جان گرفت دوباره. باورش نمی‌شد. چه اشکی ریخت و چه گریه‌ای کرد. نعیم‌آبادی به او گفته بود می‌رود و رو می‌اندازد به هرکسی که می‌شناسد. تلاش‌ها ادامه داشت. آن‌دوره علم را برده بودند حسینیه کرمانی‌ها و حتی برایش دزدگیر گذاشته بودند. شاهحسین صبح‌تاشب خواب نداشت و نگران بود که نکند اتفاقی برای علم بیفتد. برای همین بعد از این پیشنهاد مدام پیگیر بود. نعیم‌آبادی به شاهحسین گفته بود: «اول باید نامه بنویسی و بگویی می‌خواهم علمم را وقف امام‌رضا(ع) کنم!» اینکه چیزی نبود. او همه زندگی‌اش را داده بود و غیر از این هم چیزی نمی‌خواست. گفته بود: «تو هرچی می‌خواهی بنویس، من امضا می‌کنم!» نوشت. هرچیزی را که لازم بود، نوشت و امضا کرد. نامه را خطاب به قائم‌مقام وقت آستان‌قدس‌رضوی نوشتند و به‌دلیل رفاقت نعیم‌آبادی با او حتی یک‌بار با هم رفتند دفترش و شاهحسین آنجا شروع کرد به حرف‌زدن: «ببینید، من دیگه دارم می‌میرم، آخرای آخراش، فتیله به ته ته رسیده، داره سوسو می‌زنه، یه‌دوره باد دیگه بزنه تمومه، من می‌خوام این علم همین‌طوری بمونه، هیچ‌چی دیگه نمی‌خوام، اصلا چی بهتر از اینکه بیاد در پناه امام‌رضا(ع)؟» آقای قائم‌مقام هم دل‌داری‌اش داده بود و گفته بود: «ماشاء... شما رشید و بزرگ و روغن‌زردخوردی‌ای، این حرفا چیه؟ عمر هم دست خداست!» بعد از این جلسه بود که ظاهراً رضایت دادند.

●●●

چندروز بعد از دفتر مدیر کتابخانه‌ها و موزه‌های آستان‌قدس تلفن کردند به نعیم‌آبادی. می‌خواستند از چندوچون ماجرا بپرسند و گزارش کارشناسی درباره علم بنویسند. می‌خواستند اجازه بگیرند تا کارشناسانشان روی علم مطالعه کنند و تصمیم نهایی را بگیرند. دوباره سروکله مخالفت‌ها و افکار شخصی و حرف‌های بی‌پایه درباره علم پیدا شد. نعیم‌آبادی چاره را در یک‌چیز می‌دید؛ اینکه جلسه‌ای کنار علم و در حسینیه کرمانی‌ها برگزار شود و خود شاهحسین بیاید همه کارشناسان را ملتفت اصل موضوع

کند. قبول کردند. از آن جلسه‌ای که برگزار شد و آن منبری که شاهحسین زیر علمش برای کارشناسان موزه رفت، نه فیلمی وجود دارد و نه متنی. اما او روضه غرابی خواند. دوباره در قامت میان‌دار. شور داد به مجلس و از تک‌تک نشانه‌ها و نمادها حرف زد. علم را گذاشته بودند سینه دیوار. جماعت حلقه زده بودند زیرش. او رفت زیر شاه‌تیغ نشست. بسم... کرد. به‌پهلوی نشست، طوری که هم بتواند به علم اشاره کند و هم رو به جماعت باشد. از تیغ اول شروع کرد. از اینکه نماد سرو است و سرو نزد ایرانی‌ها علامت آزادی و ایستادگی و راستی است. به اینکه تیغه‌ها نشان از به‌سربیزه کردن سر امامحسین(ع) و باقی شهدای کربلاست و بالای تیغه‌ها هم به‌شکل اشک مجسم است و شمشیرهایی که برای یاری حضرت از نیام برکشیده شده‌اند و اینکه بیشترین سیر تکامل در تاریخ متعلق به تیغ علم است. حرف زد. مجلس را دستش گرفته بود. از فطرس گفت؛ ملکی که به‌علت خطایش از درگاه الهی رانده شد و پروبالش سوخته بود تا اینکه همراه با جبرئیل می‌آید خدمت پیامبر(ص) تا میلاد امامحسین(ع) را تبریک گوید. می‌خواست حضرت‌محمد(ص) واسطه شود. پیامبر(ص) گفت: «برو کنار گهواره امامحسین(ع) بنشین تا خداوند پروبال را دوباره برگرداند!» و بال‌هایش برگشت و همان‌جا قسم خورد که هرکس تا روز قیامت سلامی به حسین(ع) بدهد، او سلامش را می‌رساند.

بعد از کره وسط گفت که حکم جهان را دارد و حکومت حضرت‌صاحب(عج). حکایت‌ها گفت. شعرها خواند. روایت‌های زیادی خواند. شرح حال‌دهد را گفت. از شیر فضا گفت. گریه می‌کرد زارزار. شعری را که روی علم نوشته بود، برای جماعت بلندبلند می‌خواند. روضه‌اش حدود سه ساعتی طول کشید. از ذوالفقار گفت. تک‌تک را مرور کرد و توضیح داد و برایشان نوحه خواند. آنجا شده بود مجلس عزای حسین(ع). ورق برگشت. اصلاً نمی‌شد کار دیگری کرد. همه موافقت کردند. اما یک مشکل دیگر هم به‌وجود آمد. اینکه اولش به جایی غیر از موزه مرکزی فکر می‌کردند. حتی یک‌بار قرار گذاشتند که شاهحسین برود حمام و مسجد را ببینند، اما بعد که رفت، خطاب بهشان گفته بود: «عمو، اون وقت اسمم رو چی بذارم؟ به ما چی می‌گن؟ که بعد از یک عمر علمش رو رفت گذاشت توی حموم؟ آخه این درسته؟»

●●●

عملیات آغاز شده بود، اما نمی‌توانستند آن را بکشند پایین. نه می‌شد کجش کرد، نه می‌توانستند تعادلش را حفظ کنند و نه خبری از جرقه‌یل بود. بدتر از همه اینکه امکان هر اتفاق ناگواری هم بود. نعیم‌آبادی می‌گوید دست‌به‌دامان رئیس موزه، آقای طوسی، شدند. او هم خودش آدمی فنی بود. بعد بدون اینکه غر بزند یا خللی در کار ایجاد کند، رفت با خودش کلی آدم آورد و طناب. طناب را بستند سر شاسی و باقی طناب‌ها را دادند دست هفت‌هشت‌نفر آدم. هر طنابی یک‌جای شاسی را گرفته بود. یک‌عده هم مراقب بودند که تعادلش به‌هم نخورد. علم را با آن هیبت می‌آوردند لب نرده‌های چوبی. باید مراقب می‌بودند که برای طول و عرض علم اتفاقی نیفتد و نرده‌ها نشکند. بلندش کردند. موقع پایین‌آمدن بین زمین و آسمان کج شد. علم پیچید. یکی از طناب‌ها در رفت و سر شاسی لگد زد و از بغل گوش یکی از نیروها رد شد. اگر می‌خورد به سرش، مغزش متلاشی می‌شد. خدا به همه‌شان رحم کرد. علم با آن عظمت بالاخره پایین آمد و نشست جایی که باید؛ جایی که درهای قدیمی موزه را گذاشته بودند سینه دیوار کنار قدیمی‌ترین پنجره فولاد حرم.



گفت‌وگو با سید حسین سیدی
شاعر آیینی و سر حلقه «انجمن ادبی ارادت»

سیره اهل بیت (ع) حمایت از شاعران بوده است



شعرهایی با محتوای سالم و عالی. ما نیاز به انجمنی داشتیم که با حضور استادان مطرح کشوری در کنار جوان‌ها پا بگیرد، قوی شود و همه ابعاد را در نظر داشته باشد و در این راستا از همه متخصصان نیز استفاده کند.

●●●
وظیفه انجمن‌های ادبی برای کشف و حمایت از استعداد های جوان شعری چیست؟ شما چه برنامه‌هایی را در این راستا دنبال کرده‌اید؟

کسانی که با انجمن‌های ادبی آشنایی و به آن‌ها رفت‌وآمد دارند، می‌دانند که ثروت اصلی انجمن‌ها اعضای اصلی آن‌ها یعنی جوان‌ها هستند. ما نیز در انجمن خود با تبلیغات در فضای مجازی سعی کردیم فضایی ایجاد کنیم که شاعران درباره تازگی و جدیت فضای انجمن مطمئن باشند.

در مشهد جلسه‌های شعر آیینی و غیرآیینی زیادی هست که بیشتر حاضران در آن‌ها استادان پیش‌کسوت هستند و شاعران جوان احساس می‌کنند که در آنجا جایی ندارند. ما با تبلیغات و عملکرد خود چنین القا می‌کنیم که اینجا مخصوص جوانانی است که به دنبال شعر آیینی هستند. در سالی که گذشت، بیش از ۵۰۰ کلیپ شعرخوانی تولید و منتشر کردیم که بیشتر کسانی که در این کلیپ‌ها شعرخوانی دارند، جوان‌ها هستند و امروز همه می‌دانند که «انجمن ادبی ارادت» توجه ویژه‌ای به شعر جوان

●●●
«انجمن ادبی ارادت» از چه تاریخی و با چه نیتی شکل گرفت؟

«انجمن ادبی ارادت» از سال ۱۳۹۶ زیر نظر بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام‌رضا (ع) کار خود را آغاز کرد و تا امروز فعالیت خود را ادامه می‌دهد و با وجود فراز و فرودهای بسیاری که به‌ویژه در ایام شیوع کرونا به ما تحمیل شد، کار خود را پیش می‌برد و پیش‌تر به‌صورت حضوری و اینک به‌صورت وبینار مشغول برگزاری جلسه‌های این انجمن هستیم. نیت ما از شکل‌دادن این انجمن، پرکردن جای خالی یک انجمن بزرگ و مادر برای شعر آیینی در مشهد بود؛ انجمنی که همه آن را قبول داشته باشند و بزرگان تأییدش کنند.

●●●
چه کمبودی در فضای ادبیات آیینی احساس کردید که چنین تصمیمی گرفتید؟

یکی نیاز به انجمن بزرگ و مرجع بود و دیگر اینکه انجمنی داشته باشیم که تک‌بعدی نباشد. در خیلی از انجمن‌ها یک بعد شعر را در نظر می‌گیرند؛ برای نمونه، یک انجمن ساختار و فرم و صنایع ادبی را در نظر می‌گیرد و به مقوله‌های دیگر اهمیت نمی‌دهد. در بسیاری از محافل شعری به موضوع‌هایی همچون شعرخوانی، آموزش، محتوا و... اهمیت نمی‌دهند. اهمیت‌دادن به محتوا یعنی کوشش برای سرودن

اگرچه در زمانه ما بستر بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی و هنری به فضای مجازی منتقل شده است، اما هنوز گردهمایی‌ها و انجمن‌ها و گروه‌های فعال در این حوزه نقش مهمی در جریان‌سازی دارند. یکی از مهم‌ترین نمودهای این‌گونه فعالیت‌ها، انجمن‌های ادبی در شهر مشهد هستند؛ شهری که از دیرباز مهم‌ترین پایگاه فرهنگ و ادب ایران‌زمین بوده و مهم‌ترین انجمن‌های ادبی در آن برگزار شده و نام‌های بزرگ بسیاری به ادبیات معاصر ایران معرفی کرده است.

در این میان، «انجمن ادبی ارادت» اگرچه انجمنی نوپا در میان انجمن‌های بزرگ خراسان به‌شمار می‌آید، اما با کوشش مستمر گردانندگانش توانسته جریان مهمی را در عرصه شعر آیینی ایران ایجاد کند و در طول حدود پنج‌سالی که از راه‌اندازی‌اش می‌گذرد، دستاوردهای چشم‌گیری در حوزه اصلی فعالیت خود یعنی شعر آیینی به‌دست آورده است. حجت‌الاسلام سیدحسین سیدی که شاعر آیینی و پژوهشگر علوم اسلامی است و نامی آشنا برای اهالی شعر خراسان به‌شمار می‌آید، سال‌ها پیش به‌همراهی تنی چند از شاعران جوان آیینی، «انجمن ادبی ارادت» را بنیان نهاد و تا امروز با وجود مشکلات فراوان در راه برگزاری چنین نشست‌هایی به‌ویژه از آغاز شیوع کرونا، به‌طور مستمر فعالیت‌های خود را در این انجمن ادامه داده و دیگر همه علاقه‌مندان به شعر آیینی می‌دانند که عصرهای سه‌شنبه میعادگاه شاعران و ذاکران اهل بیت (ع) در «انجمن ادبی ارادت» به‌میان‌داری سیدحسین سیدی است. با این شاعر خراسانی به‌گفت‌وگو نشستیم و درباره چندوچون شعر آیینی و فعالیت‌های مربوط به این حوزه سخن گفتیم. اینک بخش‌های کوتاهی از این گفت‌وگو را با هم می‌خوانیم.

حجت بخارایی

در پیچ

رسالت شعر

«شعر آیینی» شعری است که آیینیه اعتقادات شاعر باشد و شاعر مواضع اعتقادی خود را در آن بیان کند؛ شعرهایی که در ستایش چهارده معصوم (ع) سروده هستند که در بهترین نمونه‌های شعر آیینی آن‌ها تبلیغ، مبارزه فرهنگی، احیای سنت‌های دینی و مذهبی یا بیان باورهای قلبی شاعران است. شعر آیینی ریشه در تاریخ ادبیات فارسی دارد و نمونه‌هایی از آن در میان اشعار نخستین شاعران



یوسف بینا

این گونه آثار، شاعران حقانیت رهبران الهی و راه آنان را می‌نمایانند و می‌کوشند تا با زبان والای شعر، حقایق را به فرهنگ جامعه و شعور اجتماعی منتقل سازند و موضع مردان حق و رهبران سعادت و عدالت را، در برابر دیگران، به‌ویژه جباران و ستم‌گستران، تحکیم بخشدند و استوارتر دارند. در این تعریف، نکته‌ای که بر آن تأکید شده، نگاه حماسی به شعر آیینی است؛ عبارت‌های «شعر متعهد»، «حقانیت رهبران الهی و راه آنان»، «شعور اجتماعی»، «موضع مردان حق در برابر جباران و ستم‌گستران» و... به‌روشنی نشان‌دهنده این نگاه است. «شعر عاشورایی» نیز که یکی از انواع شعر آیینی و مهم‌ترین نوع آن است، نه‌فقط می‌تواند مشمول چنین نگاهی باشد، بلکه

فارسی‌زبان همچون رودکی و فردوسی و کسانی و ناصر خسرو تا شاعران معاصر دیده می‌شود، اما در میان گونه‌های شعری‌ای که پس از انقلاب اسلامی متولد یا دارای تعریف ویژه‌ای دارد. درون جریان شعر آیینی نیز چند رویکرد به تعریف و سرایش آن وجود دارد که دو رویکرد «مدح و مرثیه» و «نگاه حماسی» از دیگر رویکردها متمایزتر است. استاد محمدرضا حکیمی در کتاب «ادبیات و تعهد در اسلام» در تعریف «شعر آیینی» آورده است: «در زبان‌های اسلامی، به‌ویژه عربی و فارسی، قصاید، چاهمه‌ها، قطعه‌ها و آثار بسیاری در ثنای پیامبر اکرم (ص) سروده شده است. مدایح مذهبی از مقوله شعر متعهد است، نه هنر مجرد؛ چون در

دارد. همچنین حدود ۲۰ تصنیف و ترانه فاخر از سروده‌های شاعران جوان تهیه کردیم که خوانندگان برتر کشور از جمله علیرضا افتخاری آن‌ها را خوانده‌اند و در فضای مجازی موجود است. همچنین جشنواره‌های تخصصی همچون «فیروزه فرات» را با موضوع امام حسین (ع) در نگاه امام رضا (ع) با حضور شاعران جوان برگزار کردیم و جشنواره‌های دیگری همچون «مفردات دل» و «دل‌های خراسانی» و «برکه کمال» که موضوع همه آن‌ها شعر آیینی بود و برگزیدگانش جوان‌ها بودند. شاعران جوان نباید فقط این احساس را داشته باشند که به یک انجمن ادبی می‌آیند و شعری می‌خوانند و می‌روند، بلکه باید احساس کنند کار مفیدی انجام می‌دهند و آثارشان را دیگران می‌بینند. خیلی از شاعران جوانی که الان در عرصه ملی مطرح هستند، کسانی بودند که وقتی پایشان را در «انجمن ادبی ارادت» گذاشتند، شاعران درجه ۳ محسوب می‌شدند، اما شکر خدا پیشرفت کردند.

●●● دلیل اصلی تداوم و استمرار این انجمن را چه می‌دانید؟

وقتی «انجمن ادبی ارادت» را راه‌اندازی کردیم، فکر نمی‌کردیم این نهال چنین رشد کند و شاخ‌وبرگ داشته باشد؛ به‌شکلی که به‌زعم همگان اینک یکی از جلسه‌های فاخر شعر آیینی است. دلیل اصلی این توفیق آن بود که جوانانی که روز نخست به دعوت ما لبیک گفتند، تا حد زیادی پای کار ماندند؛ به‌ویژه در آغاز که به حمایت شاعران جوان نیاز داشتیم، حمایتشان را از ما دریغ نکردند و در کنار آن‌ها استاندانی که شاید به حضور در انجمن ما نیازی نداشتند نیز لطف کردند و حمایت کردند. مسئولان بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا (ع) نیز نگاه خوبی به شعر آیینی دارند و در جهت رشد این شاخه هنری گام برمی‌دارند. این‌ها باعث شد ما بتوانیم استادان بزرگ شعر آیینی را به انجمن دعوت کنیم و مخاطبان ما احساس کردند در هر جلسه با رویداد تازه‌ای روبه‌رو خواهند بود، با یک شاعر جدید یا یک تفکر جدید آشنا می‌شوند و این‌گونه شد که هر هفته دوستان شاعر چشم‌انتظار برگزاری جلسه بودند و ما نیز کوشیدیم طراوت و تازگی و نشاط و شادابی را در

این نشست شعری حفظ کنیم.

●●● چه برنامه‌هایی برای آینده دارید؟

کرونا سرعت پیشرفت ما را کم کرد. برگزاری نشست‌هایی که تا پیش از شیوع کرونا هر هفته با حضور پنجاه‌صفت نفر برگزار می‌شد، دیگر ممکن نیست. البته اینک مخاطبان ما گاه به بیش از ۱۴۰۰ نفر در وبینارهای می‌رسد، اما دوست داشتیم نشست‌ها جز اینکه در فضای مجازی منتشر شود و هزاران بازدیدکننده داشته باشد، حضوری نیز برگزار شود. در آینده نیز ان‌شاء... همین راه را ادامه خواهیم داد؛ با برگزاری برنامه‌های نوتر و مدل‌های متنوع‌تر.

●●● در این راه آیا نهادهای مسئول از شما حمایت می‌کنند؟

نخست باید بگویم که بزرگ‌ترین مشکلی که در این زیرشاخه فرهنگ یعنی شعر آیینی وجود دارد، موازی‌کاری‌های بسیار است؛ هرچند همه نهادها در این حوزه به‌دنبال دست‌یابی به هدف واحدی هستند و آن گسترش و بسط فرهنگ اهل‌بیت (ع) و شعر آیینی است. گاه این موازی‌کاری‌ها شاعران را سردرگم می‌کند؛ برنامه‌های بسیاری برگزار می‌شود و بسیاری از شاعران مطلع نمی‌شوند. اگر مرکزی برای سامان‌دهی شاعران باشد و همه از آن طریق بدانند که چه برنامه‌هایی برگزار می‌شود، خیلی بهتر است. به‌هر حال نهادهای مسئول از انجمن ما حمایت‌هایی کرده‌اند، اما امیدواریم روند حمایت‌ها سرعت و دقت بیشتری بگیرد.

●●● جریان شعر آیینی به چه حمایت‌هایی نیاز دارد؟

در واقع حمایت از هنرمند در آن جایگاهی که باید باشد، نیست. هنرمندانی در سطح استادی می‌بینید که در بدیهیات زندگی گرفتار هستند. چرا یک هنرمند عالی‌رتبه در عرصه شعر آیینی باید دغدغه امور ابتدایی زندگی خود را داشته باشد؟ البته به‌تازگی حرکت‌هایی برای حمایت از هنرمندان آغاز شده است و امیدواریم این تنور داغ شود و هنرمندان حوزه شعر آیینی احساس کنند که نهادی هست حمایتشان کند. یکی از مصداق‌های این حمایت در حوزه چاپ آثار و کتاب‌های شاعران آیینی است که گاه برای شاعران

صرفه اقتصادی ندارد و بسیار سخت است. البته برخی نهادها برای نمونه صد جلد از کتاب می‌خرند، اما آیا ارزش زحمات یک هنرمند که در چندین سال شکل گرفته، در همین حد است که با خرید صد جلد از کتابش احساس کنیم داریم از او حمایت می‌کنیم؟ نه! اسم این کار حمایت نیست. یک شاعر وقتی یک شعر خوب می‌گوید، باید ببیند که از هنرش استقبال می‌شود و اجر مادی و معنوی زحماتش پرداخت می‌شود. ما گاهی می‌خواهیم از امام رضا (ع) در بیت‌المال دقیق‌تر شویم! امام رضا (ع) پس از شنیدن یک شعر از دعبل خزاعی، به او چندده دینار صله می‌دهد و مأمون نیز صله بیشتری روی آن می‌گذارد و به شاعر می‌دهد و این‌ها از بیت‌المال است و امام رضا (ع) مأمون را از این کار منع نمی‌کند. یعنی امام رضا (ع) این‌گونه از شاعر زمانه خود حمایت می‌کند. امام صادق (ع) نیز در محضر خود شاعر را در جایگاهی برتر از علما می‌نشانند. شعر شبکه‌ای است که می‌تواند به‌معنای واقعی و به‌زیباترین شکل ممکن به تبلیغ و ترویج دین بپردازد. وقتی اهل‌بیت (ع) این‌گونه از شاعران حمایت می‌کنند، آیا ما نباید از شاعران آیینی حمایت کنیم؟ آنکه باید حمایت شود، هنرمند است که عنان فرهنگ در دست اوست و می‌تواند سطح فرهنگی جامعه را ارتقا دهد.

●●● جریان شعر آیینی را در عرصه ملی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

روشن است که جریان شعر معاصر و به‌ویژه شعر آیینی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی رشد داشته است و هیچ‌کس نیست منکر آن باشد. اگر آثار شعر آیینی را در طول تاریخ بررسی کنیم، می‌بینیم چندین برابر آثاری که در عمر هزار و چندساله اسلام سروده شده، در همین چهل‌وچند سال پس از انقلاب اسلامی سروده شده است، اما هرچه تعداد زیاد باشد، آسیب هم به همان مقدار زیاد است. جریان شعر اگر با آموزش و بینش و آگاهی‌های دینی همراه شود که متأسفانه در این روزها از این موضوع کمی فاصله گرفته‌ایم، روشن است که روزگار پربارتری را در آینده خواهد داشت. اما اگر توجه به محتوا از شعر آیینی حذف شود و فقط واژه‌های شورانگیز و فقط حماسی و بدون بینش در آن باشد که در برخی هیئت‌ها و مجلس‌ها می‌بینیم، به اعتقاد مردم ضربه می‌زند. حقیقت این است که به‌رغم شعرهای خوب، شعرهای بی‌محتوا نیز بسیار می‌بینیم و به‌نوعی سره و ناسره درهم‌آمیخته است. گاه مداحانی که قدرت تشخیص شعر خوب از شعر بد را ندارند، فقط به کلمه‌های فریبنده متوسل می‌شوند و بدین ترتیب شورهای بدون بینش بسیار می‌شود. شاید پله شعرهای کم‌محتوا در آینده سنگین‌تر شود و این مسئله اینک به‌عنوان یک آسیب جدی برای شعر آیینی مطرح است. شاید در آینده با مجموعه شعرهایی روبه‌رو باشیم که باید بگردیم و با ذره‌بین در آن‌ها شعر آیینی سالم پیدا کنیم؛ اگر محتوا را نشناسیم، اگر آموزش نباشد و اگر اصولی پیش نرویم.

●●● نقش شاعران جوان در این میان چیست و چه می‌تواند باشد؟

در هر عرصه‌ای وقتی به جوان‌ها اعتماد شد، کار درست پیش رفت. جوان خلاقیت دارد، ساختارشکنی عقلانی دارد، بدایع را بیشتر می‌داند، اهل احتیاط‌های بی‌ثمر نیست و اگر ما عنان فرهنگ و ادبیات و شعر آیینی را به‌دست جوان‌های تحصیل‌کرده بدهیم، حتماً موفق خواهند بود. اگر شما انجمن‌های شعر آیینی را بررسی کنید، خواهید دید که پرچم‌دار شعر آیینی امروز جوان‌ها هستند. این به‌دلیل بهایی است که به جوان‌ها داده شده است. شاید در گذشته ما منتظر بودیم زیباترین کلمه‌ها را از زبان مسن‌ترین شاعران بشنویم، اما الان دیگر آن‌گونه نیست؛ فضای تعلیم و رقابت و جوان‌گرایی است و سهم عمده‌ای از آینده شعر آیینی نیز در دست جوان‌ها خواهد بود؛ ان‌شاءالله.

●●● این گفت‌وگو را با چه سخنی به پایان می‌برید؟

نخست اینکه مسئولان نباید درباره انجمن‌های شعر آیینی بی‌تفاوت باشند. دوم اینکه عنان شعر نباید به‌دست غیرشاعرها باشد؛ وقتی مسئولی با شعر بیگانه یا با آن مخالف است و اتفاقاً وظیفه حمایت از شعر را برعهده دارد، چگونه می‌تواند از آن حمایت کند؟ وقتی افراد غیرمرتبط با شعر را به‌عنوان مسئول حوزه شعر منصوب می‌کنند، مانند این است که یک شاعر را مسئول یک بیمارستان بگذارند؛ چه فاجعه‌ای رخ خواهد داد؟ خدا می‌داند! وقتی غیرشاعران مسئولیت امور شعر و ادبیات را برعهده می‌گیرند، سلامت روح و فرهنگ مردم نیز به همان اندازه به‌خطر می‌افتد. نکته پایانی نیز اینکه همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند «هر اندیشه‌ای که در قالب هنر ننگند ماندنی نیست» باید بگوییم که هر فعالیت فرهنگی که در قالب دل ننگند، ماندگار نخواهد بود.

در هر عرصه‌ای وقتی به جوان‌ها اعتماد شد، کار درست پیش رفت. جوان خلاقیت دارد، ساختارشکنی عقلانی دارد، بدایع را بیشتر می‌داند، اهل احتیاط‌های بی‌ثمر نیست و اگر ما عنان فرهنگ و ادبیات و شعر آیینی را به‌دست جوان‌های تحصیل‌کرده بدهیم، حتماً موفق خواهند بود.



شاید بیشتر از انواع دیگر شعر آیینی مصداق چنین نگاهی است. وقتی موضوع شعر عاشورایی مطرح می‌شود، همه ما ایرانی‌ها ناخودآگاه به‌یاد در خلق عالم است... می‌افتیم و بیت‌هایی که پرچم‌های عزای و کتیبه‌های محرم با بیت‌هایی از این مرثیه عاشورایی آراسته می‌شود. زیبایی‌های لفظی و محتوایی این شعر و عوامل فرهنگی و تاریخی و اجتماعی مهم‌ترین اشعار عاشورایی است و آن را در صدر قصیده سیف‌فرغانی (ای قوم در این عزای بگریید...) و اشعاری از عمان‌سامانی و چند شاعر دیگر مطرح کرده است. باین حال،

وقتی چنین اشعاری را دقیق‌تر بررسی کنیم، با نقد شهیدمطهری درباره شعر محتشم هم‌صدا خواهیم شد که «وجه حماسی این شعر ضعیف است» و به‌عبارتی دیگر باید گفت شاعر در سرودن این شعر با دیدی حماسی به واقعه عاشورا نگاه نکرده و فقط مرثیه‌سرایی کرده است. البته دیدگاه مرثیه‌سرایان جایگاه خاص خود را در شعر دارد و در تحلیل تاریخی ذوق شعری و بررسی دیدگاه‌ها و عقاید درخور توجه است، اما روشن است که یکی از وجوه مهم واقعه عاشورا و شاید مهم‌ترین وجه آن، حماسی آن است. می‌دانیم که فرهنگ مسلمانان و نیز همه آزادگان و آزادی‌خواهان جهان دارد، فقط برای جامعه مسلمانان آن

روزگار رسالت بیدارکنندگی نداشته، بلکه هر دوره‌ای و با هر عقیده‌ای می‌تواند باشد. پس غفلت از وجه حماسی عاشورا، غفلت از نکته‌ای مهم و اساسی است که مربوط به وجه انسانی و اهمیت جهانی این واقعه است. شعر آیینی معاصر نیز سال‌ها و دهه‌ها به‌ویژه تا پیش از دهه‌های اخیر، خالی از حماسه بود و جز در موارد معدود به مدح و مرثیه محدود می‌شد. در دهه‌های اخیر بخشی از شاعران آیینی کوشیده‌اند به‌نوعی وجه حماسی را در شعر خود مد نظر قرار دهند و با نگاهی نوبه واقعه عاشورا و فهم وقایع عاشورا در قالب بزرگ‌ترین حماسه رویارویی حق و باطل، زوایای

عاشوراها‌ی ماندگار در حافظه تاریخی شهر

دوباره صدای ناله کاروانی می‌آید که ۱۴۰۰ سال است هربار با پرچم خونین کربلا از دل تاریخ عبور می‌کند و صدای مظلومیتش شعر آزادمردان است؛ صدای «یاحسین(ع)» که در دل محرم‌ها، گاه آهسته و گاه بلند، به گوش رسیده، اما هرگز خاموش نشده است، حتی در آوردگاه سخت‌ترین دوران‌ها. و مشهد، شهری که بیرق این آزادی را هرگز از شانه پایین نگذاشته، چه بسیار روزهای مهمی را پشت سر گذاشته که با عاشورا گره خورده و این گزارش، مروری است بر همین رخدادها. در سطرهای پیش‌رو به چند حادثه مهم در مشهد صد سال گذشته اشاره کرده‌ایم که از آن‌ها به عنوان «عاشوراها‌ی ماندگار تاریخ مشهد» نام می‌برند.



هما سعادت‌منند



عکس تاریخی است

محرم دوران رضاخان؛ ممنوعیت عزاداری و شکل‌گیری گروه‌های پنهان مبارزاتی

به‌گواهی تاریخ و اسناد برجای‌مانده آن، مشهد در همین یک سده گذشته، چند رخداد مهم را تجربه کرده که تقارن تقویمی آن‌ها با محرم و عاشورا سبب ماندگارتر شدن یاد و اثرگذاری آن‌ها شده است؛ رخدادهایی که هر کدام برگه‌ای از تاریخ این شهر و کشور را ورق زده‌اند و نخستین آن‌ها شاید نخستین محرم پس از ممنوعیت عزاداری‌های مذهبی در دوره رضاخان باشد. دلیل اهمیت این محرم آن هم در شهر مذهبی مشهد را ابتدا باید در شکل‌گیری گروه‌های مبارزاتی علیه حکومت وقت دانست. ماجرا از این قرار است که اواخر اسفند ۱۳۱۴ شمسی، پهلوی اول دستور منع عزاداری‌ها را صادر می‌کند. این دستور دو روز مانده به نوروز سال ۱۳۱۵ شمسی، طی بخش‌نامه محرمانه‌ای در وزارت داخله به استانداران ابلاغ می‌شود. او در پاسخ به نامه ستاد ارتش درباره چگونگی برخورد با مراسم ایام محرم در مساجد و تکایا، چنین می‌نویسد: «البته باید روضه‌خوانی کنند و ممانعت نمی‌شود، اما روضه‌خوانی باید در مساجد و تکایا باشد، آن هم مرتب و با قاعده و در روی نیمکت‌ها مستمعین بنشینند و آقایان محدثین و متخصص، روضه‌خوانی کنند. سینه‌زنی و از این قبیل کارهای سابق به کلی ممنوع است.» ممنوعیت عزاداری‌ها تا سال ۱۳۱۶ شمسی هر روز سخت‌تر از پیش ادامه می‌یابد تا آنجا که در این سال مردم حق نداشتند در ماه محرم از لباس مشکی، پارچه سیاه و هر جلوه محرمی دیگری برای نشان دادن عزاداری‌بودنشان استفاده کنند. پس از این است که آژان‌ها و عمده‌فروشان نظمی مجاز می‌شوند بر عزاداران در هر مجلسی بشورند و چماق بر پیکرهایی بکوبند که قلبشان شرحه‌شرحه داغ کربلاست. این مجوز نه‌فقط حسینیه‌ها و تکایا که پشت دیوار خانه‌ها و خلوت عوام را هم تفتیش می‌کرد تا صدای هر نجوا و شیونی را در گلو خفه کند. پس از این است که خانواده‌های مذهبی تصمیم می‌گیرند آیین‌های عزاداری محرم را پنهانی و زیرزمینی در باغ‌های بیرون شهر یا حتی در حمام‌های عمومی با حضور تعداد محدودی از افراد برگزار کنند. این راهکار در ادامه سبب شکل‌گیری حلقه‌های مبارزات مردمی در مشهد می‌شود؛ حلقه‌هایی که می‌توان بعدها اعضای آن را به عنوان سردمداران یا رهبران صف‌های اعتراضی علیه حکومت دید که دامنه آن به انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ نیز می‌رسد.

روزنامه محرم / ۲۴ مرداد ۱۴۰۰

محرم سال ۱۳۴۲؛

شورش در مشهد و

تعطیلی مسجد گوهرشاد

تاریخ‌نگاران خرداد سال ۱۳۴۲ را پیوند «محرم و انقلاب» نامیده‌اند و آن را اتفاقی بی‌نظیر در تاریخ نهضت امام‌خمینی(ه) می‌دانند. در مشهد این دوران، محرم با حوادث بسیاری رقم می‌خورد که مهم‌ترین آن‌ها حادثه قتل غلامعلی شباهنگ، شورش مردم و تعطیلی چندروزه مسجد گوهرشاد است. در توریق این بخش از تاریخ چنین آمده است: حکومت پهلوی به نصب اعلامیه امام‌خمینی(ره) روی دیوارها حساس بود. از این رو در روز دهم خرداد (یک روز مانده به تاسوعا و عاشورای حسینی) که مردم مشغول خواندن اعلامیه امام(ره) جلو در مسجد گوهرشاد بودند، یکی از مأموران حکومت پهلوی به نام غلامعلی شباهنگ، اعلامیه امام‌خمینی(ره) را پاره می‌کند. این عمل او سبب قتل خودش و جنجالی تازه در شهر می‌شود. با این همه، چیزی را تغییر نمی‌دهد و مردم همچنان تصویر پیر و مرادشان را بر دیوارها نقش می‌کنند. با افزایش عکس‌های امام‌خمینی(ره) روی در و دیوار شهرها در آغازین روزهای محرم، ساواک در بخش‌نامه‌ای به شهرهای مختلف از جمله مشهد دستور می‌دهد که «در هر مغازه و محلی که عکس آیت‌الله... خمینی الصاق شده، روی آن تمثال حضرت امیرالمؤمنین(ع) چسبانده شود.»



۱۳ خرداد، هم‌زمان

با عاشورای حسینی،

روشنگری علمابر

منبر منازل و مساجد

روشن‌تر می‌شود و

سیاه‌نویسی ساواک

بر حکم دستگیری آنان

شدیدتر.

روز ۱۴ خرداد، مردم همچنان مشغول توزیع و چسباندن اعلامیه به دیوارهای مسجد گوهرشاد هستند؛ آن‌طور که بر اساس گزارش ساواک، ۱۵۰ نفر در این روز به‌همین دلیل دستگیر می‌شوند. بیشتر توزیع‌کنندگان اعلامیه‌ها را طلاب جوانی تشکیل می‌دهند که با بیت علمای مبارز مشهد در رفت‌وآمد بوده‌اند. در روز ۱۵ خرداد نیز سربازها و تانک‌ها شهر مشهد را اشغال و ژاندارم‌ها با اسب به مردم کوچه و بازار حمله می‌کنند. در شب همین روز نیز حدود ۲۰ هزار نفر از مردم در منزل آیت‌الله... قمی برای اجرای مراسم سوگواری گرد هم می‌آیند. مندرج است که عوامل حکومت از ترس، ۸ کامیون حامل سرباز برای اکلانتی و یک گردان برای استقرار در اطراف حرم امام‌رضا(ع) در این روز اعزام می‌کنند، مگر به این حیل، علاج حادثه پیش از وقوع کنند و جلو هرگونه حرکت انقلابی را بگیرند، اما زهی خیال باطل! ماجرای ۱۵ خرداد مشهد، با دستگیری برخی علمای نامی شهر و تعطیلی مسجد گوهرشاد به سکوت کوتاهی ختم می‌شود؛ سکوتی که حکم آتش زیر خاکستر را دارد و کمی بعدتر در دیگر مبارزات مردم مشهد علیه حکومت پهلوی رخ عیان می‌کند.



محرم سال ۱۳۵۷؛ خطبه خوانی حضرت آیتا... خامنه‌ای در حرم و روشن شدن بارقه پیروزی انقلاب اسلامی

یکی از مهم‌ترین عاشوراهاى این قرن، عاشورای سال ۱۳۵۷ در مشهد است؛ روزی که با خطبه خوانی آیتا... خامنه‌ای در حرم مطهر رضوی رقم می‌خورد؛ اتفاقی که به عقیده تاریخ‌نگاران پای سند پیروزی انقلاب اسلامی را امضا می‌زند. طبق اسناد برجای‌مانده در ۱۹ آذر سال ۱۳۵۷ مصادف با روز تاسوعای حسینی، تظاهراتی یک‌میلیون نفری با شعار «مرگ بر شاه» و «این شاه آمریکایی اعدام باید گردد» در مشهد به راه می‌افتد و شهر را به صحنه درگیری میان خیر و شر بدل می‌کند. شب همین روز نیز برابر اسناد ساواک، گروهی از مردم مجسمه‌های شاه در میدان‌های شاه، تقی‌آباد، داخل بیمارستان شاه‌رضا، بیمارستان شهناز (قائم) و محوطه هنرستان رضاشاه را پایین می‌کشند. این عده سپس رهسپار منبع آب قاسم‌آباد می‌شوند و تاج فلزی بزرگ روی دکل چاه‌ها را می‌شکنند. همین امر سبب پاگیری شایعه‌هایی با این مضمون می‌شود: «آب لوله‌های مصرفی شهر را مسموم کرده‌اند!» عوامل رژیم این خبر را چنان با سرعت پخش می‌کنند که مردم شب عاشورا تا صبح جرئت استفاده از آب آشامیدنی را ندارند تا اینکه در ظهر عاشورا رادیو مشهد بر اساس جوابیه آزمایش اداره بهداشت اعلام می‌کند این خبر شایعه است و درست نبوده است. اما

در حالی که نه به شما ایمان داشتند و نه به جدتان حسین (ع)، ما خراسانی‌ها فقط نظاره‌گر آن‌ها بودیم، نه چاره‌ای داشتیم و نه توانی، ساکت بودیم! سپس روی سخن را به فرماندار نظامی مشهد و استاندار می‌کنند و ادامه می‌دهند: «نکته‌ای را از تاریخ انقلاب فرانسه به شما یادآوری می‌کنم، حاکمان فرانسه در آن زمان انتظار سقوط حکومتشان را نداشتند، ۲۰ روز پیش از پیروزی انقلاب فرانسه، خیرخواهان حاکمان را به تسلیم در برابر اراده ملت فراخواندند، اما آنان بر لجاجت و تکبر خود پافشاری کردند، انقلاب برخلاف میل حاکمان پیروز شد، اینک یکی‌دو ماه بیشتر به پیروزی ما نمانده است، شما را نصیحت می‌کنم و می‌گویم با مردم به‌نیکی رفتار کنید!»

از همه این‌ها مهم‌تر اتفاقی است که در حرم رخ می‌دهد. استاندار، شهردار و صاحب‌منصبان حکومتی در صحن مطهر رضوی جمع می‌شوند تا طبق سنتی دیرین و هرساله، در این روز خطبه‌ای با نام شاه قرائت کنند، اما در کمال ناباوری، آیتا... خامنه‌ای و چند تن از طلاب در حالی که عده زیادی از مردم نیز در حرم و اطراف آن اجتماع کرده‌اند، وارد می‌شوند. ایشان بالای منبر می‌روند و در حضور مأموران و کمربه خدمت‌خیم کرده‌های بسیار حکومتی، خطبه را با نام امام خمینی (ره) می‌خوانند. آیتا... خامنه‌ای در این خطبه امام هشتم (ع) را خطاب قرار می‌دهند و می‌گویند: «این رسول... از شما معذرت می‌خواهم که طاغوتیان هر سال مراسم امشب را در کنار حرم شما برپا می‌کردند،

محرم سال ۱۳۷۳؛ بمب‌گذاری حرم و تکرار دوباره تاریخ

۸۰ سال پس از به‌توپ بسته شدن حرم مطهر رضوی به‌دست روس‌ها، تاریخ دوباره تکرار می‌شود؛ آن‌هم در روزهایی که دیوار به دیوار مشهد به سنت هرساله محرم سیاه‌پوش است. ساعت ۱۴:۲۶ روز ۳۰ خرداد ۱۳۷۳، صدای مهیب انفجار در گوش‌های شهر زنگ می‌زند، اما حیرت از چنین جنایتی آن‌هم در زمین مقدس مشهد و در روز عاشورا سبب می‌شود هر کسی ابتدا دیر و سخت باور کند که در حرم بمبی منفجر شده است. زائران حیرت‌زده غبار خاک و دود سیاه را از پیش دیدگان پس می‌زنند تا شاید چربی این صدا را بفهمند، اما جز پیکرهای تکه‌تکه و بوی گوشت سوخته، چیز دیگری با حیرانیشان در میان گذاشته نمی‌شود. شاهدان عینی بعدها در شرح خاطراتشان گفته‌اند که تکه‌های بدن و گوشت تن شهدا و مجروحان همه‌جا پخش شده بود، از پشت ترنج‌های ضریح گرفته تا گنبد... ورودی‌خان، گنبد حاتم‌خانی و دیوارهای دارالولایه و حتی سقف گنبد. در بعضی جاها این گوشت‌ها فقط با کاردک از دیوار جدا می‌شدند. شدت انفجار همه لباس‌های شهدا را برده و حتی شبشه‌های کفشداری نزدیک مدرسه میرزا جعفر را هم شکسته بود. اعضای بدن تعدادی از زائران همچون سر و دست و پا و انگشت جدا شده و در اطراف محل حتی پشت‌بام حرم و سقف ضریح مطهر پراکنده بود. نه فقط سطح حرم و روضه منوره رضوی، بلکه قطعات خردشده بدن زوار، سطح دیوارهای حرم مطهر و داخل آن را پوشانده و به خون آغشته کرده بود. بوی خون و سوختگی و دود، فضای حریم رضوی را مالا مال کرده، تعداد زیادی از نسخ قرآن و مفاتیح ورق‌ورق شده و چلچراغ‌ها در محل حادثه خرد شدند. در میان قرآن‌ها و کتب ادعیه‌ای که در این انفجار تکه‌تکه شدند، می‌شد بیشترین خون را بر صفحاتی دید که زیارت عاشورا بر خود داشتند. در همان ساعات اولیه، گروهک تروریستی منافقین عامل این حادثه اعلام شد. هدف آن‌ها از این اقدام، اختلاف‌افکنی بین شیعه و سنی بود. قلب مشهد تا ماه‌ها در تب این حادثه تند می‌تپید و هر روز بخشی از حقایق تازه کشف می‌شد. این اتفاق تلخ تیرتیر یک روزنامه‌ها شد. انفجار حرم برای آن روزگار چندان بزرگ و باورناپذیر بود که دادگاه رسیدگی به پرونده عاملانش هر شب از شبکه ملی پخش می‌شد و همه ایران را پای جعبه سیاه‌وسفید تلویزیون‌ها می‌نشانند. خبرهای چاپ‌شده از ۲۵ سال پیش مشهد حکایت از این دارد که بمب را مهدی نحوی نامی در کیف زنانه‌ای تا نزدیک ضریح رسانده و علیرضا رحمانی و دو زن او را همراهی کرده‌اند. مهدی نحوی متواری، اما علیرضا رحمانی دقایقی پس از انفجار حرم شناسایی می‌شود، تحت تعقیب قرار می‌گیرد و دست‌بند قانون روی دست‌هایش می‌نشیند. چهار روز بازجویی، بالاخره لب‌های بسته او را به اعتراف باز می‌کند و رحمانی همدستانش را لو می‌دهد. در این حادثه که خونین‌ترین عاشورای مشهد است، ۲۶ نفر شهید و ۱۴۰ تن زخمی و مجروح می‌شوند.



آثار عاشورایی در سینمای ایران؛ نه چنان که سزاوار است

با نزدیک شدن به ایام عزاداری ماه محرم، طرفداران هنر هفتم این فرصت را پیدا می کنند که یک بار دیگر کارنامه سینمای ایران را در برخورد با موضوع عاشورا بسنجند؛ ارزیابی پرتکراری که به سادگی نمی توان آن را قابل قبول توصیف کرد. با هر متر و معیاری که موضوع را مد نظر قرار دهیم، سینمای ایران درباره عاشورا حق مطلب را ادا نکرده است و ریل گذاری فرهنگی حوزه سینما نیز به شکلی نیست که امیدوار به تغییر وضعیت کنونی باشیم.

محمد عنبرسوز

شاهد مثال

در شرایطی که عاشورا یک فرهنگ عمومی در ایران محسوب می شود و از اهمیت انکارناپذیری برخوردار است، تعداد فیلم هایی که در چهار دهه اخیر با محوریت این موضوع در سینمای ایران ساخته شده اند، بسیار کمتر از انتظار است. سه فیلم تاریخی مذهبی با مضمون واقعه عاشورا، بدنه کارنامه سینمای ایران در برخورد مستقیم با این موضوع را تشکیل می دهند. این در حالی است که آثار حاشیه ای و دارای ارتباط غیرمستقیم نیز وضع چندان بهتری ندارند و به سختی تعدادشان به انگشتان یک دست می رسد.

«سفیر» به کارگردانی فریبرز صالح، نخستین تجربه جدی سینمای پس از انقلاب اسلامی در پرداختن به واقعه عاشورا است؛ فیلمی با بازی فرامرز قریبیان که با توجه به استانداردها و امکانات زمانه خود، اثری درخور توجه و مترقی محسوب می شد. روایت این فیلم بر سرگذشت قیس بن مسهر، قاصد امام حسین (ع) برای رساندن پیام دعوت ایشان به سلیمان صرد خزاعی، متمرکز است و نگاهی تاریخی به موضوع دارد. تولید «سفیر» در اوایل دهه ۶۰ اتفاق مبارکی برای سینمای ایران بود و منجر به تجربه ای شد که سینما را به سمت مهم ترین اثر عاشورایی به نمایش درآمده در

تاریخ، یعنی «روز واقعه»، هدایت کرد. از اوایل دهه ۷۰ تا نزدیک به دو دهه بعد، «روز واقعه» مهم ترین محصول عاشورایی سینمای ایران بود؛ اثری خوش ساخت و در اندازه های سینما که هر مخاطبی را با خود همراه می کرد. فیلم نامه «روز واقعه» جداگانه ارزش هنری دارد و متن دقیقش با نهایت ظرافت به رشته تحریر درآمده است. کارگردانی استاندارد شهرام اسدی و بازی تکرارنشده علی رضا شجاع نوری در نقش «عبدالله» نیز از دیگر نکاتی بود که این فیلم را به اثری ماندگار و بهترین نمونه ادای دین سینمای ایران به موضوع عاشورا در دهه های ۷۰ و ۸۰ تبدیل کرد. در دهه ۹۰ نیاز به ساخت یک اثر کامل و عظیم با موضوع عاشورا احساس می شد؛ فیلمی که بتواند حق مطلب را ادا کند و به عنوان شاخص فرهنگ عاشورا، قابل عرضه در سطح بین المللی باشد. «رستاخیز» دقیقاً چنین فیلمی بود؛ اثری با مختصات تولید یک فیلم بیگ پروداکشن، بهره گیری از بازیگران کامل و حرفه ای، فیلم نامه پرتراقتی که از دریچه نگاه فرزند حر رباحی قصه خود را روایت می کرد و موضوعی حماسی و تراژیک که می توانست در تاریخ سینمای ایران جاودانه شود. شوربختانه «رستاخیز» درگیر حواشی عجیبی شد و هیچ وقت به اکران عمومی و گسترده درنیامد. توزیع نسخه قاچاق این فیلم با دوبله عربی نیز امیدها برای اکران پرشورش را به باد داد.

●●●

ظرفیت های نمایی

واقعه عاشورا مهم ترین حادثه دینی در طول تاریخ برای مردم این سرزمین است و صحت این مدعا را از شکل رفتار مردم در کوچه و خیابان می توان دریافت. جامعه ایران موقعیتی همدلی برانگیزتر از عاشورا نمی شناسد و انس تربیتی مردم با امام حسین (ع) باعث می شود ارتباط گرفتن بیننده با آثار عاشورایی تقریباً تضمین شده باشد. به طور کلی، بیشتر مخاطبان ایرانی سینما دل در گرو قصه ها دارند و طرح یک داستان پرکشش با پرداخت مناسب را شرط لازم فیلم ها می دانند. از این منظر، دست فیلم سازی که به تولید محتوا با موضوع عاشورا اقدام می کنند، حسابی پر است و مجموع افراد و وقایع مرتبط با این حادثه تاریخی آن قدر متنوع و گسترده است که محتوای مناسب برای تولید ده ها فیلم را تضمین کند. سطره داستانی حادثه عاشورا، چه از جهت توالی وقایع، از آغاز نهضت امام حسین (ع) گرفته تا وقایع مربوط به خون خواهی منتقمان و چه از جهت تنوع شخصیت های مثبت و منفی دخیل، یک حوزه داستانی بی نظیر در اختیار سینماگران قرار می دهد. طراحی هوشمندانه فیلم نامه سریال «معصومیت از دست رفته» ساخته داوود میرباقری، یکی از مواردی است که نشان می دهد واقعه عاشورا تا چه حد ظرفیت پنهان دراماتیک دارد.

گذشته از ظرفیت های مربوط به متن، محتوای حماسی حادثه عاشورا نیز می تواند دستمایه تولید آثار فاخر در سینمای ایران باشد. از سینمایی حرف می زنیم که بیشتر تصمیم گیرندگان معتقدند با فقدان قهرمان روبه رو هستند. این در حالی است که مهم ترین قهرمانان دینی تاریخ را نادیده می گیرند و وقتشان را با تلاش برای بازسازی نمونه های ایرانی قهرمان های هالیوود هدر می دهند. طراحی جنگ ها، استفاده از جلوه های بصری و حتی پرداختن به مناسبات سیاسی و اجتماعی زمانه نیز می تواند موضوع های جذاب و پرتیرافیت نمایی برای تولید آثار سینمایی با محوریت عاشورا باشد. اساساً قرار نیست یک فیلم عاشورایی فقط به روز دهم محرم سال ۶۱ هجری در صحرای کربلا محدود شود، بلکه این حوزه آن قدر ظرفیت دیده نشده دارد که تمرکز بر آن ها می تواند هر فیلم سازی را سر ذوق بیاورد.

●●●

آسیب شناسی

وقتی پای تولید آثار ارزشی در سینمای ایران به میان می آید، موانع نه فقط از سر راه کنار نمی روند، بلکه گاه بر تعدادشان افزوده می شود. نخستین معضل جدی در تولید فیلم های عاشورایی درک نادرست مدیران فرهنگی از مدیوم سینماست. گویا بخشی از بدنه مسئولان و تصمیم گیرنده های عرصه فرهنگ، جایگاه سینما را به رسمیت نمی شناسند و تفاوت جدی بین سریال و فیلم قائل نیستند. شاید به همین علت باشد که طراحان فرهنگ و رسانه در ایران ترجیح می دهند اصل را بر کمیت بگذارند و به جای صرف هزینه برای تولید یک فیلم دوساعته، تمرکز خود را بر اختصاص بودجه سه چهاربرابری و در عوض تولید یک سریال چندده قسمتی بگذارند تا ساعات بیشتری محصول نمایی تولید شود. تعداد به نسبت زیاد سریال های تاریخی با موضوع عاشورا، در مقایسه با سینما، نشان دهنده آن است که تلویزیون در این عرصه چندان ضعیف ظاهر نشده، اما سینما اساساً رسانه ای متفاوت است و دایره مخاطبانش را هرگز نمی توانیم با تلویزیون مقایسه کنیم.

از نظر تبارشناسی مخاطبان سینما، به نظر می رسد که هواداران پرده نقره ای به طور کلی تمایل چندانی به تماشای فیلم های تاریخی در سالن سینما ندارند. برخی تحلیلگران عرصه فرهنگ این بی توجهی را به پای تیپ شخصیتی طبقه علاقه مند به سینما می نویسند، در حالی که علت یابی دقیق تر نشان می دهد سیاست های فرهنگی باعث شرایط کنونی شده است. تجربه دهه های گذشته به مخاطب سینمای ایران آموخته که بهتر است فیلم های تاریخی را در سالن سینما تماشا نکند، زیرا این آثار معمولاً خیلی زود از تلویزیون سر درمی آورند و به سادگی در دسترس خواهند بود. کیفیت فنی و هنری فیلم های تاریخی نیز معمولاً به شکلی است که مخاطب را ناامید کرده یا دست کم مردم را به این نتیجه رسانده است که تماشای این آثار روی پرده عریض سینما مزیت چندانی ندارد.

با همه این مسائل، سینمای ایران از نظر تولید آثار مهم سینمایی درباره واقعه عاشورا، امروز وضعیت ممتازی دارد. در یک دهه اخیر، از نظر فناوری سخت افزاری مناسب برای تولید آثار بیگ پروداکشن، پیشرفت های مهمی داشته ایم و کیفیت محصولاتی مثل سریال «مختارنامه» و فیلم «محمد رسول الله (ص)» نشان می دهد که از جهت تجهیزات کم و کسری نداریم. ساخت شهرک های سینمایی و لوکیشن های بزرگ نیز تصمیم درستی از سوی مدیران بود که می تواند تا سال ها کار تولید آثار تاریخی را با موضوع عاشورا راحت کند. نیروی انسانی متخصص و فیلم سازان کاربلد و خلاق نیز دیگر ستون شکل گیری این گونه سینمایی است که باید مورد حمایت قرار گیرد و به سمت اهداف فرهنگی مهم هدایت شود. شاید دوسه فیلم اولی که در دهه جدید با محوریت واقعه عاشورا تولید می شوند، فروش عجیبی را در گیشه به ثبت نرسانند، اما بی شک یک سیاست گذاری بلندمدت و تولید چند فیلم برخوردار از کیفیت اجرایی ممتاز، می تواند یک گونه بومی بی مانند را به سینمای ایران اضافه کند. پیش از هر چیز، مخاطب ایرانی باید متقاعد شود که تماشای فیلم های خوش ساخت با موضوعات تاریخی و مذهبی روی پرده سینما ارزشمندتر از دیدن آن ها در نمایشگرهای خانگی است.

فضای مجازی؛ خیمه بزرگ سوگواران حسینی



علیرضا وفاپنیا

بیش از یک‌سال‌ونیم از زمانی که کرونا وارد زندگی ما شد می‌گذرد و بیماری‌ای که ابتدا گمان می‌کردیم با گذشت چند ماه به‌پایان برسد، هنوز از سرمدست برنداشته‌است. در مدت همه‌گیری کرونا، بسترهای اینترنتی توانستند در حوزه‌های مختلفی مثل آموزش، دورکاری، ارتباطات مجازی و... به ما کمک کنند فاصله‌گذاری اجتماعی را رعایت و از رشد بیشتر ویروس جلوگیری کنیم. عزاداری‌های محرم نیز یکی از مواردی بود که پارسال بخشی از آن به کمک پلتفرم‌های مختلف به‌صورت اینترنتی برگزار شد. اوضاع کرونا در مقایسه با محرم پارسال اگر بدتر نشده باشد، بهتر نیست و با توجه به توصیه رهبر معظم انقلاب درباره رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی، به‌نظر می‌رسد امسال نیز بخشی از عزاداری‌های محرم در بسترهای اینترنتی انجام خواهد شد. در این مطلب، با مهم‌ترین پلتفرم‌های عاشورایی بیشتر آشنا خواهیم شد.

زیرساخت‌های فنی کشور در اختیار عزاداران حسینی

اگر یکی دو دهه پیش وضعیتی مثل امروز اتفاق می‌افتاد و ناچار بودیم تا جای ممکن از اجتماع دوری کنیم، بخش زیادی از فعالیت‌های ما به‌طور کامل متوقف می‌شد، اما به‌لطف گسترش زیرساخت‌های اینترنتی در سال‌های گذشته، رعایت دستورهای کرونایی کمتر به فعالیت‌های مختلف آسیب رساند و بسترهای اینترنتی توانستند تا اندازه‌ای جای فعالیت‌های حضوری را پر کنند. از محرم پارسال شرکت‌هایی مثل «ابراوان» با دراختیار گذاشتن سرویس رایگان پخش زنده خود در خدمت هیئت‌های عزاداری، به این نهادها امکان دادند بدون نگرانی از مسائل فنی و زیرساختی، از سرویس‌های ابری برای برگزاری غیرحضوری عزاداری استفاده کنند. اگر هیئت‌های مذهبی خودشان وبسایت داشته باشند، می‌توانند از سرویس ابری برای پخش زنده استفاده کنند و فقط کد آن را در سایت خود قرار دهند. حتی هیئت‌های کوچکی که وبسایت ندارند نیز می‌توانند مراسم خود را رایگان به‌صورت زنده از پلتفرم استریم پخش کنند. پخش زنده به کمک این سرویس‌ها به تجهیزات زیادی هم نیاز ندارد و با یک گوشی ساده موبایل و اینترنت می‌توان کار پخش را انجام داد. از طرفی، وزارت ارتباطات نیز با همکاری اپراتورهای مخابراتی، هزینه اینترنت برای استفاده از این خدمات را رایگان کرده است.

آپارات

«آپارات» پلتفرم ویدئومحور شناخته‌شده‌ای برای کاربران ایرانی است که افراد زیادی روزانه به آن سر می‌زنند. این برنامه از ۵ سال پیش و زمانی که هنوز خبری از کرونا نبود، شروع به ارائه خدمات پخش زنده هیئت‌های عزاداری محرم کرد تا افرادی که به هر دلیلی نمی‌توانند به‌صورت حضوری در این مراسم شرکت کنند، با کمک این پلتفرم، امکان بهره‌بردن از مراسم عزاداری سالار شهیدان را داشته باشند. پارسال با شیوع کرونا، استقبال هیئت‌ها از قابلیت پخش زنده آپارات بیشتر شد و بنابر اطلاعیه رسمی این پلتفرم، ۳۷۰ هیئت تصمیم گرفتند روزانه مراسم خود را در این پلتفرم زنده پخش کنند. بر اساس بیانیه آپارات، در محرم پارسال بیش از ۱۲۱ هزار کاربر روزانه مشغول تماشای مراسم مذهبی در این پلتفرم بودند.

مداحان معروف نظیر محمود کریمی، عبدالرضا هلالی، مجید بنی‌فاطمه، میثم مطیعی، جواد مقدم، مهدی رسولی، مهدی سلحشور، سعید حدادیان، محمدحسین پویانفر، حسین طاهری، مهدی سیب‌سرخ، حنیف طاهری، همگی در پخش زنده آپارات حضور یافتند و به مداحی مشغول شدند. همچنین بارها واعظان معروف در هیئت‌هایی نظیر «محبین اهل بیت (ع)»، «نورالرضا (ع)» و «ابن‌الرضا (ع)» سخنرانی کرده‌اند که این سخنرانی‌ها از آپارات به‌صورت زنده پخش شده است.

امسال نیز با فرارسیدن محرم، سرویس پخش زنده آپارات پذیرای هیئت‌های مختلفی از سراسر کشور است. کاربران می‌توانند با مراجعه به این برنامه، به‌صورت مجازی در هر هیئت و برنامه عزاداری‌ای که می‌خواهند شرکت کنند.

هیئت‌آنلاین

بر خلاف آپارات که در کنار بقیه سرویس‌هایش، بخش عزاداری را نیز راه‌اندازی کرده است، «هیئت‌آنلاین» بستری به‌شمار می‌رود که از پارسال به‌طور تخصصی با هدف پخش آنلاین عزاداری‌های محرم آغاز به کار کرد. هر کدام از هیئت‌های مذهبی می‌توانند در این وبسایت به‌نشانی (heyatonline.ir) ثبت‌نام کنند و رایگان از امکان استفاده از خدمات برای پخش زنده مراسم خود بهره ببرند. حجم اینترنت مصرفی کاربران نیز در این بستر رایگان است و تماشای برنامه‌های مختلف در آن هیچ هزینه‌ای نخواهد داشت.

تا امروز بیش از ۱۵۰۰ هیئت مذهبی در سامانه هیئت‌آنلاین ثبت‌نام کرده‌اند و عزاداری‌های آن‌ها در روزهای محرم از بستر این پلتفرم به‌طور زنده پخش خواهد شد.

علاوه بر این، قابلیت «حرم‌آنلاین» به‌تازگی به این بستر اضافه شده است که با استفاده از آن می‌توانید به‌صورت زنده تصویری از حرم حضرت‌علی (ع)، حرم امام‌رضا (ع)، حرم امام‌حسین (ع)، حرم حضرت‌عباس (ع) و بین‌الحرمین را مشاهده کنید.

تکیه

«تکیه» نیز مثل سامانه هیئت‌آنلاین، بستری بود که با توجه به شرایط کرونایی، از پارسال به‌همت سازمان تبلیغات اسلامی کشور راه‌اندازی شد. این بستر اینترنتی با شعار «حسینیهای بدون زمان و مکان» فعالیت‌هایش را پیگیری می‌کند و روزانه ویدئوهای متنوعی روی خروجی خود قرار می‌دهد که مربوط به مراسم مذهبی محرم هستند. سامانه تکیه ادعا می‌کند می‌تواند فرصت حضور در همه هیئت‌های ایران را به عزاداران ارائه بدهد. سامانه تکیه مراسم عزاداری را زنده پخش می‌کند تا مردم در خانه خود بتوانند عزاداری کنند.

در سرویس تکیه، امکان مشاهده پخش زنده مراسم در اماکن متبرکه‌ای همچون حرم امام‌حسین (ع) و حرم امام‌رضا (ع) وجود دارد. این سامانه ویدئوی مربوط به عزاداری در ده‌ها هیئت را زنده پخش می‌کند تا کاربران در بسیاری از شهرهای ایران بتوانند به تماشای مراسم هیئت شهر خود بنشینند. هزینه ترافیک اینترنت این سامانه رایگان است. به‌علاوه، امکان دسترسی به آرشیوی جامع از صوت‌ها و تصاویر مراسم مذهبی سال‌های مختلف را بدون هیچ محدودیتی برای کاربران فراهم کرده است.

خیمه‌های آنلاین

سامانه «خیمه‌های آنلاین» رابط کاربری متفاوتی در مقایسه با بسیاری از سامانه‌های مشابه برای پخش عزاداری دارد. در این سرویس، می‌توانید مستقیم نام هیئت موردنظر خود را جست‌وجو کنید و مراسم عزاداری در حال برگزاری را ببینید. خیمه‌های آنلاین با همکاری مستقیم پایگاه خبری «شرجی» راه‌اندازی شده است. این سامانه مراسم عزاداری حرم امام‌حسین (ع) را به‌همراه مراسم متعدد دیگر پخش می‌کند و محتوای ویدئویی ویژه‌ای نظیر ویژه‌برنامه «شیرکتل» دارد.



اربعه عاشورایی

اگر در اینترنت به دنبال اپلیکیشن‌های محرمی بگردید، با دنیایی از برنامه‌ها روبه‌رو خواهید شد. البته خیلی از این اپلیکیشن‌های موبایلی آن‌طور که باید کامل نیستند و پیدا کردن در اختیاراتان قرار دهد، کمی سخت است. به‌همین دلیل، برنامه‌های خوب مخصوص روزهای عزاداری محرم را به شما معرفی کنیم.

هم‌نوا

«هم‌نوا» یک آرشیو کامل مذهبی با بیش از ۵۰ هزار مداحی محرم و نوای مذهبی از صدها قاری، مداح و سخنران معروف مذهبی است. علاوه بر گوش‌دادن به رادیو محرم گوش دهید و صدها فایل ویدئویی در کنار این موارد، در هم‌نوا می‌توانید به آرشیو هزاران سخنرانی، نواهای مذهبی و گلچین بهترین مداحی‌های محرم به‌صورت آنلاین گوش بسپارید.

نقاره

اگر به دنبال یک آرشیو جامع از هزاران مرثیه، سخنرانی و ادعیه می‌گردید، اپلیکیشن «نقاره» یکی از بهترین انتخاب‌ها برای شماست. نقاره اپلیکیشن سبک و زیباست که تعداد بسیار زیادی فایل مداحی و مرثیه قابل دانلود در آن قرار داده شده است. شیوه استفاده از اپلیکیشن نیز به‌لطف رابط کاربری ساده و قابل فهم آن آسان است. فقط کافی است به صفحه مربوط به یک مداح یا سخنران خاص وارد شوید تا نوحه یا سخنرانی‌های او در اختیاراتان قرار بگیرد.

زیارت عاشورا

برنامه «زیارت عاشورا» تقریباً ساده‌ترین برنامه این فهرست چهارگانه است که با حجم کم در عین نداشتن منوهای پرپیچ‌وخم، وظیفه‌اش را به‌خوبی انجام می‌دهد. به‌محض ورود به برنامه، متن زیارت عاشورا در مقابلتان قرار می‌گیرد و با فشردن کلید «پخش» می‌توانید نسخه صوتی آن را گوش دهید. جدا از این موضوع، ترجمه فارسی زیارت عاشورا نیز در برنامه گنجانده شده است تا هم‌زمان با گوش‌دادن به متن عربی، بتوانید معنی فارسی آن را نیز بخوانید.

پخش زنده حرم

به‌علت همه‌گیری کرونا، خیلی از ما نمی‌توانیم مثل سال‌های قبل، این ایام را در حرم امام‌حسین (ع) به عزاداری بپردازیم، اما اپلیکیشن «پخش زنده حرم امام‌حسین (ع)» کمک می‌کند بتوانیم تا اندازه‌ای در حال‌وهوای حرم سالار شهیدان قرار بگیریم. این برنامه به‌طور اختصاصی از چهار دوربین واقع در کربلای معلی، تصاویر حرم امام‌حسین (ع) را می‌گیرد و به‌صورت زنده در اختیار شما می‌گذارد.

خراسان، ایران کوچک باقومیت‌های گوناگون

تنوع آیین‌های فرهنگی و هویتی عزاداری‌های محرم می‌تواند یکی از دلایل حضور گردشگران مذهبی در خراسان باشد

گونه‌گونی اقوام در خراسان سبب شده است در این اقلیم، با ایرانی کوچک روبه‌رو باشیم که آداب و رسوم همه اقوام ایرانی از ترک، کرد، فارس، بلوچ و دیگر قومیت‌ها در آن یافت می‌شود. ناگفته پیداست این مسئله تنوع فرهنگ‌ها را نیز به دنبال دارد؛ فرهنگ‌هایی که هر کدام آیین‌ها تمام‌نمای آداب و رسوم بخشی از ایران بزرگ هستند. این تنوع فرهنگی را می‌توان بیش از هر زمان در روزهای محرم و مراسم عزاداری برای امام مظلومان دید. ثبت ۲۵ رسم و آیین عزاداری خراسان‌رضوی در فهرست آثار ناملموس ملی، فرصتی است تا گریزی بزنییم به معرفی برخی از این آیین‌ها که اگر درست معرفی شوند، می‌توانند علاوه بر نشان‌دادن فرهنگ و آداب و رسوم مذهبی ایرانیان مسلمان، راهکاری باشند برای رونق جاذبه‌های گردشگری مذهبی در این مرز و بوم.



است و امروزه در آخرین جمعه قبل از ماه محرم برپا می‌شود. عمده‌ترین و به‌نوعی بزرگ‌ترین مراسم آیینی این روستا همین مراسم خیمه‌پوشان است که از صبح تا ظهر تداوم دارد. این مراسم با حرکت علم‌های روستا آغاز می‌شود و با برپایی خیمه و بیرق‌گردانی به اوج خود می‌رسد. پیش از حضور مردم در حسینیه و برپایی خیمه و چادر، مردم و علم‌ها از دو طرف روستا به سمت حسینیه حرکت می‌کنند. در نهایت نیز هر دو گروه در میان ده که محل استقرار حسینیه مسجد جامع روستاست، به یکدیگر می‌پیوندند و با تشکیل یک کل واحد به حسینیه وارد می‌شوند و با برافراشتن علم‌ها به برپایی خیمه و چادر می‌پردازند. برخلاف آنچه در مناطقی مثل سبزوار و بیرجند برپا می‌شود، در پیوه‌ژن در مراسم خیمه‌پوشان خبری از چاووش‌خوانی نیست و به جای آن، تعزیه‌خوان به ذکر مصیبت می‌پردازد.

مقتل‌خوانی به‌نام روستای ریوند از توابع شهرستان داورزن ثبت‌ملی شده است

یکی از مهم‌ترین عناصری که در روزهای عزاداری امام حسین(ع) در روستای ریوند داورزن برگزار می‌شود، تعزیه مقتل است. این مراسم هر سال در روز عاشورا برگزار می‌شود و از صبح تا عصر ادامه دارد. اتفاقی که برپایی این مراسم را بیش‌ازپیش به لحاظ ثبت میراث فرهنگی با اهمیت کرده است، توجه به حفظ اصالت‌های فرهنگی و محلی است که سعی می‌شود با استفاده از پنج عنصر در محوریت این مراسم قرار گیرد. این پنج عنصر عبارت‌اند از میدان اجرا، نحوه اجرا، لباس و ادوات، موسیقی متن و اشعار تعزیه. مراسمی با عنوان فهرست‌گردانی نیز در شب عاشورا در منزل یکی از اهالی برگزار می‌شود که در واقع، مقدمه‌ای است برای تعزیه مقتل. در این مراسم، نقش‌ها و نسخه‌های تعزیه از سوی فهرست‌گردان میان تعزیه‌خوانان پخش می‌شود. در مراسم مقتل‌خوانی، برخلاف بیشتر مجالس تعزیه که روایت به‌شهادت‌رسیدن یکی از بزرگان دین است، بیشتر وقایع عاشورا به‌نمایش گذاشته می‌شود که از جمله آن‌ها ماجرای به‌شهادت‌رسیدن حر و فرزندش، حضرت علی‌اکبر(ع)، حضرت قاسم(ع)، حضرت عباس(ع)، حضرت علی‌اصغر(ع)، امام حسین(ع) و عبا... فرزند امام‌حسن(ع) است. در این مراسم نیز از ادواتی مثل شیپور، فلوت و دهل استفاده می‌شود که از گذشته تا امروز مهم‌ترین ادوات موسیقایی تعزیه مقتل اهالی، قدمت شیپور و فلوت به بیش از صد سال می‌رسد.

به خراسان، به دلیل کمبود مواد غذایی، برای سیرکردن مردم شهر، عده‌ای هر نوع حبوبات و ماده غذایی را که پیدا می‌شده، در دیگ‌هایی بزرگ می‌ریختند و می‌پختند.

پرده‌خوانی عاشورایی به‌نام شهرستان خلیل‌آباد ثبت‌ملی شده است

پرده‌خوانی را می‌توان نوعی آیین نمایشی مذهبی در ایران دانست. در پرده‌خوانی، فردی با عنوان پرده‌خوان از روی تصویرهای روی پرده که مضمون آن صحنه‌های نقاشی‌شده عاشوراست، مصائب اولیای دین و واقعه کربلا را با کلامی آهنگین روایت می‌کند. نقش این پرده‌ها برگرفته از روایات عامیانه بر مبنای تخیل نقاش، گفته‌ها، نوشته‌های تاریخی، افسانه‌ای و نوعی از نقاشی موسوم به قهوه‌خانه‌هاست. در پرده‌خوانی، پرده‌خوان با اشاره به تصاویر پرده با چوب‌دستی که مطرق نام دارد، صحنه‌ها را نشان می‌دهد و با صدایی رسا نقاشی پرده را بازخوانی می‌کند. این هنر در خلیل‌آباد دارای سابقه‌ای دیرین است.

مرثیه‌خوانی مراسم «حسن و حسین(ع)» و مرثیه‌خوانی «واویلا» روستای مند در بیدخت گناباد ثبت‌ملی شده است

مراسم «حسن و حسین(ع)» در بیدخت گناباد از ابتدای محرم پس از نماز مغرب و عشا برگزار می‌شود. اوج آن نیز در عصر عاشورا و پس از شهادت امام حسین(ع) رقم می‌خورد. در این مراسم، اعضای هیئت‌ها حلقه‌وار به مرثیه‌خوانی و سینه‌زنی می‌پردازند و درحالی‌که یک گروه نام حسن(ع) و گروه دیگر هم‌زمان نام حسین(ع) را فریاد می‌زنند، از این رو این مراسم «حسن و حسین(ع)» نام گرفته است. این آیین که قدمتی ۲۵۰ ساله دارد، در فهرست آثار ملی ناملموس معنوی ایران ثبت شده است. علاوه بر این، هر سال در روستای مند گناباد، مراسم مرثیه‌خوانی به‌نام «واویلا» توسط افرادی خاص برگزار می‌شود. این مرثیه که فراخوانی برای انجام مراسم عزاداری است، منحصر به روستای مند گناباد است. مندی‌ها با آغاز محرم «واویلاخوانی» را در بیشتر مساجد و حسینیه‌های روستا برگزار می‌کنند.

مراسم خیمه‌پوشان به‌نام روستای پیوه‌ژن از توابع مشهد ثبت‌ملی شده است

مراسم خیمه‌پوشان روستای پیوه‌ژن یکی از رسوم قدیمی محرم است که در گذشته بیست‌وهفتمین روز ذی‌الحجه برگزار می‌شده

دو مرحله و با آداب خاصی برگزار می‌شود. هر کدام از عناصر به‌کاررفته در نخل‌نمادی از یک حادثه یا ادای احترام به یکی از بزرگان حادثه کربلاست. بخش اول این رسم به نخل‌آرایی، نخل‌بندی یا همان آماده‌سازی و به اصطلاح آرایش نخل اختصاص دارد. نخل در مرحله دوم با مهارت خاصی توسط «نخل‌بند» به یکدیگر متصل می‌شود و پس از آن، بزرگان آبادی به تزیین و آماده‌سازی آن می‌پردازند. پس از تزیین و آماده‌سازی نخل، آیین نخل‌گردانی با حضور پرشور سوگواران با نظم و بر اساس آیینی مشخص انجام می‌شود. در ادامه مراسم، افرادی برای حمل نخل در نقاطی مشخص قرار می‌گیرند. این نقاط به‌صورت موروثی از اجدادشان به آنان می‌رسد و هیچ‌کس نمی‌تواند بدون اجازه آن‌ها در حمل نخل و گرداندن آن شرکت کند.

علم‌گردانی به‌نام چند روستا در نیشابور و روستای نظام‌آباد بردسکن ثبت‌ملی شده است

علم‌گردانی آیینی سنتی و مذهبی و یکی از نمادهای فرهنگ سوگواری است که هر سال توسط عزاداران حسینی در روستاهای نیشابور برگزار می‌شود. برای اجرای این آیین، مردم روستاهای مختلف نیشابور با علم‌های مخصوص همان روستا به یک روستای شاخص و هدف مانند فدیشه، عبدالآباد، سلیمانیا یا دیگر مناطق می‌روند و در آنجا مراسم علم‌گردانی را برگزار می‌کنند. گاهی تعداد روستاهای تجمع‌شده در روستای هدف به ۴۰ تا ۵۰ روستا می‌رسد تا علم‌گردانی با شکوه بیشتری برگزار شود. در روز علم‌گردانی، علم‌های هر علم‌دسته آن‌گاه که به هم می‌رسند، در اصطلاح علم‌ها به یکدیگر سلام می‌دهند. چرخش موزونی که با خواندن اشعار مذهبی و صلوات مردم همراه می‌شود، از تماشایی‌های این مراسم است. شبیه این مراسم را می‌توان در دیگر نواحی خراسان به‌ویژه بردسکن نیز مشاهده کرد.

پخت و توزیع شله مشهدی مراسم پخت و توزیع شله مشهدی ۲۷ آذر سال ۱۳۹۱ ثبت‌ملی شده است

شله یکی از غذاهای سنتی مشهد است که هر سال در ماه‌های محرم و صفر با آداب و رسوم خاصی به‌عنوان نذری طبخ می‌شود. پخت این غذای سنتی داری آداب خاصی است که از پاک‌کردن حبوبات آن تا ریختن در دیگ ادامه دارد. برخی تاریخ پخت شله را تا زمان حمله مغول‌ها به ایران عقب می‌برند. در این روایت‌ها آمده است که پس از حمله مغول‌ها

تعزیه‌خوانی به‌نام شهر مشهد و ترک‌ها و کردهای شمال خراسان ثبت‌ملی شده است

تعزیه‌خوانی یکی از آیین‌های مشترکی است که آن را می‌توان با اندک تفاوت‌هایی در سراسر ایران مشاهده کرد. این آیین عزاداری صدها سال است در میان مشهدی‌ها، ترک‌ها و کردهای شمال خراسان با شکوهی مثال‌زدنی برگزار می‌شود. تعزیه به‌معنای متعارف آن، نمایشی است که واقعه کربلا در آن به‌تصویر کشیده شده است. این نمایش به‌دست افرادی که هر یک نقشی از شخصیت‌های اصلی را بر دوش دارند، اجرا می‌شود. این نمایش نوعی نمایش مذهبی و سنتی ایرانی‌شیعی است که به مصائب اهل‌بیت(ع) به‌ویژه واقعه کربلا می‌پردازد. کارشناسان معتقدند هنر تعزیه توانسته است از یک‌سو به بالندگی تئاتر در ایران کمک کند و از سوی دیگر، نشانی هنری از مذهب شیعه را پیش چشم بگذارد.

سنگ‌زنی به‌نام روستای صدخرو سبزوار ثبت‌ملی شده است

این آیین هر سال با آغاز ایام عزاداری سرور شهیدان در روستای «صدخرو» و چند روستای دیگر در خراسان‌رضوی برگزار می‌شود. اجراکنندگان این مراسم در حین خواندن مرثیه در سوگ امام حسین(ع) همراه با ریتم خاص نوحه و با زدن دو تکه چوب دایره‌ای شکل به یکدیگر، همراه با حرکت‌های همگون و ریتمیک، به عزاداری می‌پردازند. گرچه وجه اشتراک این مراسم در همه نقاط، استفاده از دو تکه چوبی است که به هم می‌زنند، در اجرا و زمان آن تفاوت‌های چشم‌گیری به‌چشم می‌خورد. بنا به روایات شفاهی موجود در مناطق برگزارکننده، این حرکت، نمادی است از سنگ‌برسردن در عزای امام حسین(ع) که به‌مرور زمان به چوب‌زنی تغییر پیدا کرده است. عده‌ای نیز فلسفه این کار را اعتراضی گروهی به اسب‌تاختن شمر بر پیکر امام حسین(ع) می‌دانند.

نخل‌گردانی به‌نام دو شهر بردسکن و بجستان و پنج روستای فدافن کاشمر، قصبه، ریاب، نوقاب و رهن در گناباد ثبت‌ملی شده است

این آیین نیز یکی از رسوم رایج در بسیاری از شهرها و روستاهای خراسان است، اما اوج شکوه در برگزاری آن را می‌توان در فدافن کاشمر، بردسکن، بجستان، قصبه، ریاب، نوقاب و رهن در گناباد دید. این مراسم در